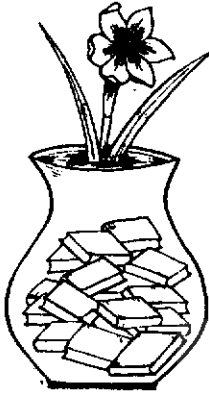


نگاهی به

مراحل تکامل فقه شیعه*



سید منذر حکیم

چرایی این بحث امروزه، علاقه مندان به هر دانشی، مطالعه تاریخچه و بررسی مراحل پیشرفت و تکامل آن دانش را ضروری می‌دانند، زیرا این فراگیری، آگاهی به مسائل پیرامون آن و شناخت شرایط تکامل و پیشرفت آن علم را آسان می‌کند. پژوهشگر می‌تواند با توجه به شرایط و زمینه‌های گردآوری آن علم در گذر قرن‌ها تلاش و تکاپوی علمی، آن را ارزش گذاری کند.

فقه شیعه و ادوار تکامل آن از مهم‌ترین، ریشه دارترین و گسترده‌ترین مکتب‌های فقه اسلامی، مکتب فقهی شیعیان دوازده امامی است که به دلیل داشتن دو ویژگی اساسی، با دیگر مذاهب تفاوت دارد:

۱. باز بودن باب اجتهاد از روز تأسیس تاکنون؛ از آن‌جا که باز نبودن باب اجتهاد در مذاهب دیگر، سبب شده است که آن مذاهب، در زمانی نه بسیار کوتاه، خسارت‌های فراوانی را ببینند، فقیهان عامه نیز به ضرورت باز بودن باب اجتهاد پی برده‌اند.

* ترجمه: سعید نجاتی.

۲. ارتباط مستقیم با معصومان؛ ایشان در گذر سه قرن، در چارچوب روشی که قرآن کریم برای معرفت یابی عاقلان و خردمندان برشمرده، این مکتب فقهی را بی هیچ کاستی ای و با روشی استوار بنا نهادند، در حالی که دیگر مذاهب، به پشتوانه قیاس یا جمود بر ظواهر و محدود کردن خود در قالب الفاظ، از این چارچوب بیرون رفته اند.

برخی از فقیهان، علم فقه را «شناخت احکام فرعی شریعت از راه دلیل های تفصیلی» دانسته اند که چنین تعریفی دو نکته را دربردارد:

۱. فقه مصطلح یا فقه استدلالی، زمانی تصورشدنی خواهد بود که منابع استنباط فراهم باشد. بنابراین، عصر تشریح را که منابع فقهی در آن هنگام پدید آمده، نمی توان از مراحل تکامل فقه مصطلح شمرد؛

۲. عصر امامان معصوم را نیز نمی توان از ادوار علم فقه دانست، زیرا ایشان نیز همانند پیامبر، با تفسیر کلام وی و آیات قرآن، منابع فقهی را برای فقیهان پدید می آوردند.

بنابراین، فقه روایی (مأثور) را - که گردآوری اش از زمان امام باقر و امام صادق تا زمان غیبت به طول انجامید - نمی توان فقه استدلالی و اصطلاحی شمرد. برخی از تاریخ فقه نویسان، پایانه عصر غیبت صغری را که فقیهان به استدلال روی آوردند، آغاز بنای فقه شیعی دانسته اند و زمانه فقه روایی را از ادوار علم فقه شیعه نشمرده اند.

با نگاه به آنچه یاد آوردیم، پس از عصر تشریح، فقه شیعه دارای دو دوره بوده است:

۱. دوره تفسیر و تدوین متون دینی که فقه مأثور را دربر می گیرد؛

۲. دوره استدلال و استنباط یا فقه اجتهادی.

گفتنی است: برای فقه اجتهادی که در گذر قرن های چهارم تا پانزدهم بالید و به تکامل رسید، بخش ها و مراحل چندگانه ای می توان برشمرد.

تاریخ نویسان
فقه شیعه

فقیهان شیعه، در دهه های گذشته، به نوشتن تاریخ فقه همت گماردند که به گرد آمدن مجموعه ای پر ارزش در این باره انجامید. در پیوست، فهرست با ارزش ترین آنها را به ترتیب هنگامه تدوین و انتشار، پیش می فرستیم:

۱. ادوار فقه (سه جلد)، محمود شهابی، ۱۳۶۷ ه.ق.
۲. مقدمه المعالم الجدیده، محمدباقر صدر، ۱۳۸۵ ه.ق.
۳. مقدمه الروضة البهیة، محمدمهدی آصفی، ۱۳۸۶ ه.ق.
۴. تاریخ فقه جعفری (عربی)، هاشم معروف الحسنی، ۱۳۸۸ ه.ق.
۵. نگاهی به تحول علم اصول، ابوالقاسم گرجی، ۱۳۹۳ ه.ق.
۶. ادوار علم الفقه و اطواره، علی کاشف الغطاء، ۱۳۹۹ ه.ق.
۷. خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری.
۸. کیهان اندیشه، مقاله سیری در ادوار فقه، محمدابراهیم جناتی، ۱۴۰۳ ه.ق.
۹. مقدمه ای بر فقه شیعه، حسین مدرسین طباطبائی، ۱۴۰۷ ه.ق.
۱۰. مقدمه ریاض المسائل، محمدمهدی آصفی، ۱۴۱۱ ه.ق.
۱۱. مقدمه الفوائد الحائریه، محمدمهدی آصفی، ۱۴۱۴ ه.ق.
۱۲. تاریخ التشریح الاسلامی، عبدالهادی الفضلی، ۱۴۱۵ ه.ق.
۱۳. تاریخ فقه و فقها، ابوالقاسم گرجی، ۱۴۱۸ ه.ق.
۱۴. طبقات فقهاء الشیعه، جعفر سبحانی، ۱۴۱۹ ه.ق.

ملاک های
مرحله بندی
دوران های
فقه استدلالی

مورخان فقه شیعه، با توجه به دیدگاه های چندگانه در فقه، چندین روش را برای تقسیم مراحل تکامل فقه برگزیده اند. در این باره، فقیه اهل بیت، سید محمود شاهرودی (دام ظلّه) روش ویژه ای را پیش نهاده است. ایشان گذار فقه شیعه با توجه به ویژگیهای منابع فقهی موجود، از شش مرحله

می داند:

مرحله اول: تأسیس و پایه گذاری فقه استدلالی؛

مرحله دوم: جهش و شکوفایی؛

مرحله سوم: استقلال؛

مرحله چهارم: تقابل عقل گرایی و اخباری گری؛

مرحله پنجم: اعتدال و میانه روی؛

مرحله ششم: کمال و بالندگی.

این نام گذاری، با نگاه به ویژگی برجسته هر دوران است و به دلیل پرداختن به خود منابع فقهی و ویژگی هایی، همانند: چگونگی استدلال، گستره موضوعات و مسائل فقهی، عمق و ژرف نگری، اعتدال و میانه روی در نظریه ها، استقلال در گرایش ها و شیوه های استدلال و آنچه که به ماهیت علم فقه استدلالی ارتباط داشته باشد، از دیگر تقسیم بندی های شمرده شده در منابع تاریخ فقه، متمایز شمرده می شود.

این روش در دوره تربیت محققان مؤسسه «دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت»، در سال ۱۳۷۷ هـ. ش تدریس شد و آنچه می آید برگرفته همان درسهاست که همراه با فهرستی تفصیلی از فقهاء و آثار فقهی هر مرحله تقدیم می گردد.

بررسی دقیق و علمی مراحل تکامل فقه شیعه، به کاوشی فراگیر در همه منابع فقه شیعه نیاز دارد، اما با وجود مهارت و تسلط محققان، همه یا بیشتر تلاش های انجام شده، بر پایه حدس و تخمین استوار بوده است، نه نمونه خوانی کامل و آمارگیری دقیق.

پژوهش در این زمینه و با این روش، هنوز در آغاز راه است، چنان که برخی از نوشته ها را بیش از چند فرضیه نیازمند به استدلال و تکمیل، نمی توان دانست. البته همواره انتظار می رود که نتایج جدید و نظریات نو در این عرصه، در پی پژوهش های فراگیر و بر پایه استقراء تام، به دست آید.

نکته‌هایی درباره
این روش

۱. این تقسیم برای مراحل تاریخ فقه شیعه با دیگر تقسیم‌بندی‌ها تعارضی ندارد.
۲. جداسازی بر پایه پدیده‌های چشمگیر هر دوران می‌باشد.
۳. چه بسا با بررسی تمام منابع فقهی، برای شناخت عمیق همه تاریخ فقه شیعه، در این تقسیم‌بندی تغییری رخ دهد، زیرا که این تقسیم‌بندی بر پایه حدس و تخمین استوار بوده است.
۴. مجموعه نکته‌هایی که تاکنون مورخان تاریخ فقه تشیع مطرح نموده‌اند در این نوشته گردآوری شده است. و جای بازگویی مجدد در این مطالب باز می‌باشد و امکان تجدیدنظر به جد مطرح می‌باشد.
۵. انگیزه اولیه در این نوشتار که تذکراتی ویژه پژوهشگران باشد، سبب شد که آن را خلاصه و فهرست وار بنویسیم.
۶. آشنایی با روش‌ها و هدف‌ها: در این نوشتار، افزون بر نتایج برگرفته شده از مطالعات درباره مراحل تکامل فقه شیعه، روش تحقیق و بررسی در این باره را نیز بر محققان و پژوهشگران برمی‌نمایم.
۷. بررسی هر دوران، نیازمند یادکرد از نکاتی است که حاجت به ابزار و منابع و روش پژوهش در آن هنگامه را برمی‌تابد؛ یادکرد از محدوده زمانی هر دوران و شخصیت‌های علمی و کلیدی آن دوران، در کنار شناساندن منابع و چگونگی بهره‌برداری شایسته از آنها، برای آن است که پژوهشگر از نزدیک‌ترین راه به هدف پژوهش دست یابد و افزون بر آگاهی از روش‌ها و نظریه‌های گوناگون، بهترین را برگزیند.

مرحله تاسیس
و بنیان‌گذاری

۱. محدوده زمانی این دوران: این دوره، از ابتدای قرن چهارم، با تلاش‌های صدوق اول، علی بن حسین قمی (وفات: ۳۲۹ ه.ق) آغاز شده و با کوشش‌های حمزه بن عبدالعزیز دیلمی، معروف به سلار (وفات: ۴۴۸ یا ۴۶۴ ه.ق) به پایان می‌رسد.

برخی از تاریخ نویسان شیعه، تنها کسانی را یاد کرده اند که سرشناس هر دوره بوده اند و قابل توجه و آثاری در شمارگان فراوان و موضوع های باارزش داشته اند، اما از آن جا که آگاهی از تمام فعالیت های فقهی هر دوره ضروری است، در این نوشتار فهرستی آورده ایم از شخصیت های هر دوره که در منابع تاریخی از آنان یاد شده و نوشته ای در فقه داشته اند. هرچند این فهرست بی نقص نیست، ولی فعالیت های فقهی هر دوره را برشمرده است.

۲. ویژگی های این دوره: الف. با گردآمدن دو مجموعه حدیثی، فقهی کافی از مرحوم کلینی (وفات: ۳۲۹ هـ. ق) و من لایحضره الفقیه از مرحوم صدوق (وفات: ۳۸۱ هـ. ق)، مهم ترین ابزار استنباط برای فقیهان فراهم شد و حدیث و سنت به یادگار مانده از پیامبر اکرم و اهل بیت (ع)، از مهم ترین منابع فقهی برای اجتهاد گردید.

ب. فقه شیعه دوازده امامی را فقه متون گویند، زیرا اجتهاد در این مذهب، بر پایه تلاش در فهم متون دینی و به کار بستن آن برای تشخیص مصادیق و موضوع های احکام شرع است؛ برخلاف اجتهاد رأی و نظر که بر پایه ادله ای نهاده شده که فراتر از متن و مدلول های آن بوده که در نتیجه به قیاس و استحسان و خروج از متون دینی کشیده می شود.

فقیهان شیعه نیز فراتر از موضوع هایی که در متون دینی به آن اشاره شد، در پی موضوع ها و موارد جدیدی برای تطبیق بر این متون برآمدند، چنان که فقیهان شیعه، فرایند تفریع یا بازگرداندن فروع و شاخه ها را به اصول و ریشه ها، براساس ضوابط علمی و اصول تفاهم عرفی و قوانین عقلی و منطقی به کار رفته در قانون گذاری ها و تفسیر قوانین پی گرفتند. از رهگذر این دوره، دو گونه کتاب های فقهی را می یابیم:

۱. کتاب های فقه مأثور؛ در آنها به ذکر احادیث فقهی در ابواب مختلف فقه

بسنده شده است.

۲. کتاب‌های فقهی استدلالی؛ که در آنها افزون بر فقه ماثور، مسائل فقهی جدید که در متن احادیث نیامده، گنجانده شده است.

ج. قوانین و ضوابطی که در هنگام استنباط و اجتهاد به کار می‌رفت، در دهه‌های آغازین قرن پنجم به تدریج از علم فقه رسمی آن روز گسست و به صورت یک علم جدید درآمد و مورد تدوین قرار گرفت. کتاب‌های زیر چنان نمونه‌هایی را برمی‌نماید:

۱. التذكرة باصول الفقه، شیخ مفید (وفات: ۴۱۳هـ.ق)؛

۲. الذریعة إلى اصول الشریعة، سید مرتضی (وفات: ۴۳۶هـ.ق).

د. در این دوره، فرایند اجتهاد و استنباط، بر پایه قوانین علمی شناخته شده، استوار گشت و فقیهان، افزون بر متون دینی، دلالت‌های تضمینی و التزامی آنها را نیز بررسی کردند. اما با وجود این هنوز در تطبیق متون دینی با موضوعاتی که در عبارات‌ها یافت نمی‌شد، آشکارا پرهیزکارانه برخورد می‌کردند.

ه. به رغم وابستگی علم فقه به روایات معصومین که سنت را برمی‌نماید، خبر واحد در نزد کسانی مانند سید مرتضی نامعتبر شمرده شد و از دیگر سوی، اجماع را پذیرفتند.

و. در این دوره، نخستین گام‌ها برای به کارگیری عقل، در استنباط فقهی (البته با احتیاط کاری و پرهیز بسیار) برداشته شد. خلاصه التذكرة باصول الفقه، کهن‌ترین کتاب اصولی شیعه است که به ما رسیده و چارچوب و گستره به کارگیری عقل در استنباط را نشان می‌دهد.

با وجود آن که قرآن کریم، عقل و خردورزی را فراوان باارزش می‌شمرد، فرایند استنباط در فقه شیعه تا این زمان، در قانون‌گذاری و درک متون دینی و رسیدن به حکم مسائل جدید، از توجه به عقل دوری می‌نمود.

ز. فقه مقارن، از آغاز قرن پنجم، همزمان با نوشته شدن برخی تألیفات، مانند: کتاب‌های شیخ مفید و سید مرتضی آغاز شد. سید مرتضی، دو کتاب الانتصار و الناصریات و شیخ مفید، کتاب الإعلام بما اتفقت علیه الإمامیه من الأحکام و همچنین المسائل العویصه را برای سنجش آرای فقهی مذهب تشیع با دیگر مذاهب اسلامی نگاهشاند.

ح. در این مرحله، علم فقه تشیع نیز مانند علم کلام آن، از هجوم و نقد دانشمندان مذهب‌های دیگر در امان نماند و برای همین، بخشی از تلاش‌های شیخ مفید و سید مرتضی در پاسخ‌گویی به شبهات دانشمندان اهل سنت گذشت.

ط. نظریه پردازی‌های فقهی در این عصر، سه رویکرد داشت:

۱. رویکرد روایی و نقلی محض؛
 ۲. رویکرد عقل‌گرایانه؛
 ۳. رویکرد به عقل و نقل که هر کدام را در گستره و کاربرد تعیین شده‌اش، معتبر می‌شمرد.
- شیخ مفید و سید مرتضی، از شخصیت‌های برجسته رویکرد سومی هستند که تا به امروز ادامه یافته و اکنون پس از رشد و گسترش، مکتب فقهی تشیع را دربر گرفته است.

۳. فقیهان این دوره و کتاب‌های فقهی آنان:

۱. علی بن حسین قمی، معروف به ابن بابویه و صدوق اول (وفات: ۳۲۹ هـ. ق):
 ۱. کتاب (رساله) الشرایع؛ ۲. مناسک الحج؛ ۳. کتاب الموارث.
۲. حسن بن علی بن ابی عقیل حدّاء، معروف به ابن ابی عقیل عمانی (زنده در ۳۲۹ هـ. ق):
 ۱. المستمسک بحبل آل الرسول.
۳. محمد بن احمد بن سلیم صابونی، معروف به جعفی (وفات: قرن چهارم):

- ١ . كتاب الفاخر .
- ٤ . محمد بن احمد كاتب بغدادى ، معروف به ابن جنيد و اسكافى (وفات : قرن چهارم):
- ١ . كتاب تهذيب الشيعة لأحكام الشريعة؛ ٢ . المختصر الأحمدي للفقہ المحمدي .
- ٥ . محمد بن على بن بابويه قمى ، معروف به صدوق (وفات : ٣٨١):
- ١ . المقنع ؛ ٢ . الهداية ؛ ٣ . كتاب فى الفقہ .
- ٦ . محمد بن محمد بن نعمان عكبرى ، معروف به مفيد (وفات : ٤١٣):
- ١ . احكام النساء ؛ ٢ . الاشراف فى عامة فرائض أهل الإسلام ؛ ٣ . الاعلام فيما اتفقت عليه الإمامية من الأحكام ؛ ٤ . جوابات المسائل النيسابورية ؛ ٥ . العويص فى الفقہ ؛ ٦ . المقنعة ؛ ٧ . المسائل التى سئلها أبو جعفر الطوسى ؛ ٨ . الموجز فى المتعة ؛ ٩ . رسالة فى تحريم ذبائح أهل الكتاب ؛ ١٠ . رسالة فى الرد على أصحاب العدد .
- ٧ . على بن حسين موسى ، معروف به شريف مرتضى (وفات : ٤٣٦هـ . ق):
- ١ . الانتصار ؛ ٢ . جمل العلم والعمل ؛ ٣ . جوابات المسائل الموصليه ؛ ٤ . جوابات المسائل التّبانيات ؛ ٥ . جوابات مسائل أهل ميّافارقين ؛ ٦ . جوابات المسائل الرّسيات ؛ ٧ . جوابات المسائل الرّازيات ؛ ٨ . جوابات المسائل الطرابلسيات ؛ ٩ . المسائل الناصريات ؛ ١٠ . ماتفرّد به الإماميه ؛ ١١ . شتات الفوائد والمسائل ؛ ١٢ . مجموعه اى ديگر از شتات الفوائد والمسائل ؛ ١٣ . رسالة فى الرد على أصحاب العدد .
- ٨ . تقى الدين بن نجم الدين ، معروف به ابو صلاح حلبى (وفات : ٤٤٧هـ . ق):
- ١ . الكافى فى الفقہ .
- ٩ . سلاّر ، معروف به قاضى حلب (وفات : ٤٤٨ يا ٤٤٩هـ . ق):
- ١ . المراسم العلويه .

بله دوم: جهش و کوفایی
 ۱. محدوده زمانی این دوره: این دوران، از پایانه نهمه نخست قرن پنجم هجری و دو دهه پایانی زندگانی شیخ طوسی آغاز شد و به نیمه قرن هفتم و زمانه محقق حلی انجامید. فقیهان این زمانه، در حوزه های نجف و حلب و حله به سر می بردند.

۲. ویژگی های این دوران: فقه استدلالی شیعه که در قرن چهارم پایه گذاری شده بود، در قرن پنجم پس از شیخ مفید و سید مرتضی رشد روزافزونی کرد. عقل و نقل گرایی این دو فقیه، با تلاش های شیخ طوسی در شناخت ضعف ها و دفاع او از حقانیت فقه شیعه در برابر تردیدها و شبهه های عقل گرایان و نقل گرایان و فقیهان عامه، شکوفا شد.

شیخ طوسی، مکتبی را که میراث استادانش (شیخ مفید و سید مرتضی) بود، در ابعاد چندگانه ای گستراند:

الف. در پی تلاش های شیخ مفید و پس از او سید مرتضی برای مستقل کردن علم اصول فقه از علم فقه، شیخ طوسی به قانون مند کردن فرایند استنباط، گردآوری قواعد علم اصول، بررسی و تعمیق آن پرداخت و کتاب *عدة الاصول* را نوشت. این کتاب که از کتاب های اصولی پیش تر برتر می نمود، تا قرن های پیشین کتاب درسی حوزه های علمیه بود. تا قرن دهم شرح و پاورقی های بسیاری بر این کتاب نوشته شده که نشان از اهمیتش می دهد.

ب. در تحقیقات فقهی، از عقل و نقل، به گونه ای یکسان بهره می بردند، چنان که شیخ مفید کتاب و سنت را دلیل نقلی می دانست و برای به دست آوردن سنت از راه احادیث، بررسی و شناخت راویان احادیث گذشته از شناخت دلالتها و پیام های آیه های کتاب الهی و متون سنت معصومین را ضروری می شمرد. شیخ طوسی، بر قرار دادن معیارهایی برای سنجش قانون مند

راویان حدیث در علم رجال، همت گمارد. در پی این تلاش‌ها، فقه شیعه که تا زمان شیخ مفید و سید مرتضی (که به دلیل انکار حجیت خبر واحد بیشتر به اجماع و عقل می‌پرداخت)، به سمت خبر واحد گردشی آشکار کرد که استناد به ملاک‌های جدید علم رجال را می‌پذیرفت. کوشش‌های شیخ طوسی در علم رجال را در دو مجموعه فقهی-حدیثی تهذیب و استبصار و کتاب‌های رجالی او مانند اختیار معرفة الرجال و الفهرست افزون بر فهرست نجاشی که از امتیازات این دوران است، می‌توانیم به دست آوریم. این تلاش‌ها، برای خبر واحد نقش مهمی در فقه به ارمغان آورد.

ج. قانون‌مند کردن استنباط با تدوین مجدد قواعد اصول فقه، در حقیقت آماده‌سازی ابزار کار است و برای استنباط احکام-که براساس اجتهاد و استدلال بر احکام شرعی استوار بوده- نیازمند روشن کردن روش به کارگیری این قوانین استنباط می‌باشد و شیخ طوسی این بخش مهم از اجتهاد را در کتاب تهذیب الاحکام (که شرحی استدلالی بر کتاب المقنعه شیخ مفید است) پی گرفته است.

شیخ طوسی در کتاب تهذیب، استدلال نظریات فقهی مفید را آورده و افزون بر آن، آراء خود را با یادکرد دلیل خود، در مسائل مختلف بیان می‌کند. به همین دلیل، کتاب تهذیب را تنها کتاب حدیثی نمی‌توان دانست. او در کتاب الاستبصار، مشکل اخبار متعارض را که مکتب فقهی اهل بیت (ع) به دلایل مختلفی دچار آن شده، می‌گشاید. به همین دلیل، کتاب استبصار، نمونه برجسته‌ای از فقه استدلالی با رویکرد روایی و در سطحی بالا از فقاقت شمرده می‌شود.

این تلاش‌ها گام بلند و بی‌پیشینه‌ای در راه تکامل فقه استدلالی بود. د. به دلیل فضای پرهیزکارانه و بسیار با احتیاط که پیش از شیخ طوسی، فقیهان از استنباط جدی احکام فرعی یاد نشده در متن روایات، پرهیز

می کردند. البته تلاش های شیخ طوسی در این زمینه نخستین تلاش ها نیست، اما می توان آنها را برجسته ترین کوشش های این عصر دانست. در این باره، مکاتب فقهی دیگر به قیاس و استحسان روی آوردند و با وجود کمبود منابع روایی شان نسبت به احادیث فقهی شیعه، با این روش آثار فقهی خود را گستراندند و بر کمبود مسائل فقهی جدید در کتاب های فقه شیعه، خرده گرفتند. بنابراین طرفداران اجتهاد رأی، کمبود متون روایی-فقهی با جاودانگی دین اسلام در برابر دگرگونی ها و پیشرفت زمان سازگار نیست و مجتهدان، در مبانی و دلیل های شرعی جدید، مانند: قیاس، استحسان، مصالح مرسله، سنت صحابی و... ناگزیر باید نوآوری کنند.

بی گمان این گونه اندیشه ها که بر فضای علمی آن روز گسترانیده شده بود، شیخ طوسی را به تلاش بر ضد آن برانگیخت. این تلاش ها همزمان دو هدف را در پی می گرفت:

۱. اثبات همپایی و شکوفایی فقه شیعه همگام با پدید آمدن حوادث و موضوع های جدید و پرهیز از رأی شخصی مجتهد از راه قیاس و استحسان؛
۲. اثبات پیشی گرفتن فقه شیعه بر فقه دیگر مذهب ها در گستره موضوعات جدید و تفریع احکام.

از آن جا که تلاش شیخ طوسی در به کار بستن و تطبیق فقه شیعه با زمان، با فقه اهل سنت در رقابت بود، این تلاش در برخی موارد، از آفت تقلید از آنان در طرح مسائل و گرایش به برخی روش های اهل سنت در تشقیق و تقسیم بندی ابواب و موضوعات در امان نماند. برای همین، برخی از بزرگان شیعه، برخی آثار فقهی شیعه را تأثیر گرفته از فقه اهل سنت می دانستند و فهم دقیق فقه تشیع را منهای فراگیری فقه اهل تسنن، ممکن نمی دانستند.

در این زمان، فقه اهل تسنن، فقه رایج در جامعه و فقه عموم مردم و حکومت بود و چنین اثرپذیری امری طبیعی می نمود، پس فقیهان شیعه ناگزیر اصول و

مبانی فقهی خویش را با مبانی فقهی حاکم و رایج، مقایسه می کردند تا در میدان رقابت کم نیاورند. فقیهان شیعه، برای مدتی ناگزیر پایه پای فقه اهل سنت حرکت می کردند تا بتوانند برتری و آن گاه استقلال فقه شیعه را اثبات کنند.

فرایند انتقال از حالت تقلید و اثرپذیری به حالت استقلال، نزدیک دو قرن به طول انجامید. در این باره، پیشرفت و تمایز چشمگیر از نوشته های محقق حلّی و پیروان مکتبش را نسبت به کتاب های شیخ طوسی درمی یابیم.

در هر حال، کتاب المبسوط شیخ طوسی که یک دوره کامل فقه شیعی می باشد، تلاشی پیش رو در گسترش شاخه ها و فروع مسائل فقهی بوده؛ در سنجش این کتاب با المقتعه شیخ مفید یا نهاییه خود شیخ طوسی، بیش از چهار برابر این دو کتاب می باشد.

هـ. شیخ طوسی، بنیان گذار این دوره، برای اثبات برتری فقه شیعه، افزون بر گسترش فروع فقهی، مکتب فقهی شیعه را با دیگر مکاتب سنجد و کتاب خلاف را در همین باره نوشت. با وجود آن که خلاف شیخ طوسی، گستردگی فقه تشیع و توانایی آن را در همراه شدن با زمان برنموده، نظریات اختصاصی فقه شیعه را با آرای مکاتب دیگر نیز نمایان کرده است. البته سید مرتضی و شیخ مفید نیز در آثارشان، به فقه مقارن - که در زمانه سید، رشد کمی و کیفی بسیاری کرده بود - پرداخته اند، اما شیخ طوسی برای نخستین بار فقه مقارن را در مجموعه ای کامل و در تمامی ابواب فقه، به همراه بحث های گسترده ای در هر باب، پرداخته است.

و. مکتب فقهی شیعه که افتخار پیروی از کتاب و عترت را دارد و این دو را جدا از هم نمی داند، ناگزیر باید قرآن کریم را منبع اساسی برای فقه و در کنار سنت پیامبر و اهل بیتش (ع) بپذیرد. برای همین، کتاب های شیخ طوسی، از قرآن کریم تأثیر پذیرفته است و التبیان شیخ طوسی در ده جلد نشانگر تلاش علمی قرآنی شیخ می باشد، چنان که تلاش های شیخ طوسی و پیروان مکتبش

در زمینه فقه القرآن، پس از گذر یک قرن، کتاب ممتاز و برجسته قطب الدین راوندی را برای فقه تشیع به ارمغان آورد. هرچند فقیهان بزرگ شیعه پس از وی آثاری گران بها به جا گذاشته اند، این کتاب هنوز هم که ده قرن از آن می گذرد، از برجسته گی ویژه ای برخوردار می باشد.

۳. فقیهان این دوره و کتاب های فقهی آنان:

۱. ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (وفات: ۴۶۰ هـ. ق):
 ۱. الاقتصاد؛ ۲. الجمل والعقود؛ ۳. الخلاف؛ ۴. المبسوط؛ ۵. المسائل الحائریات؛ ۶. النهایه؛ ۷. رساله فی تحریم الفساق؛ ۸. الإیجاز فی الفرائض؛ ۹. عمل الیوم واللیلہ.
۲. محمد بن حسن بن حمزه جعفری (وفات: ۴۶۳ هـ. ق):
 ۱. مسائل متفرقه.
۳. عبدالعزیز بن نحریر طرابلسی، ابن براج قاضی (وفات: ۴۸۶ هـ. ق):
 ۱. الجواهر فی الفقه؛ ۲. المذهب؛ ۳. شرح جمل العلم والعمل از شریف مرتضی.
۴. سلیمان بن حسن بن سلیمان نظام الدین صهرشتی (وفات: پایانه قرن پنجم):
 ۱. اصباح الشیعه بمصباح الشریعه.
۵. علاء الدین علی بن حسن بن ابی مجد حلبی (وفات: قرن ششم):
 ۱. اشارة السبق الی معرفة الحق.
۶. ابوعلی حسن بن شیخ طوسی، معروف به مفید ثانی (گفته شده که در سال ۵۱۵ هـ. ق زنده بوده است):
 ۱. شرح النهایه؛ ۲. الأمالی لمجالس والده.
۷. محمد بن علی بن حمزه طوسی، معروف به ابن حمزه (زنده در ۵۶۶ هـ. ق):
 ۱. الوسیلة الی نیل الفضیله.

۸. سعید بن عبدالله بن حسین، معروف به قطب راوندی (وفات: ۵۷۳هـ.ق):
 ۱. فقه القرآن؛ ۸-۲. مسائل (فارسی).
۹. حمزة بن علی حلّی حسینی، معروف به ابن زهره (وفات: ۵۸۵هـ.ق):
 ۱. غنیة النزوع.
۱۰. علی بن عبدالله رازی، معروف به متعجب الدین (زنده در ۵۸۵هـ.ق):
 ۱. العصرة في المواسعة والمضایقه.
۱۱. رشیدالدین محمد بن علی، معروف به ابن شهر آشوب (وفات: ۵۸۸هـ.ق):
 ۱. متشابه القرآن (بیان المشکلات من الآیات المتشابهات).
۱۲. شاذان بن جبرئیل قمی (زنده در ۵۹۳هـ.ق):
 ۱. ازاحة العلة في معرفة القبلة.
۱۳. محمد بن منصور بن احمد، معروف به ابن ادريس (وفات: ۵۹۸هـ.ق):
 ۱. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى؛ ۲. مسائل في أبعاض الفقه وأجوبتها.
۱۴. معین الدین سالم بن بدران مصری (وفات: ۶۲۶هـ.ق):
 ۱. رسالة في كيفية غسل الجنابة؛ ۲. المعونة في مسائل الميراث.
۱۵. محمد بن محمد بن حسن، معروف به نصیرالدین طوسی (وفات: ۶۷۲هـ.ق):
 ۱. البیّنات في تحرير الموارث؛ ۲. الفرائض النصيرية (جواهر الحقائق).

مرحله سوم: استقلال فقه شیعه

۱. محدوده زمانی این دوره: دوران سوم پیشرفت فقه اجتهادی که از نیمه قرن هفتم و با ظهور محقق حلّی (وفات: ۶۷۶هـ.ق) آغاز گردید، در گذر سه قرن، با کوشش چهره های برجسته مکتب، مانند: شهیدین (۷۶۸-۹۶۶هـ.ق) و کرکی (۹۴۰هـ.ق) تا نیمه دوم قرن دهم نهادینه شد.

مراکز علمی این دوران، به ترتیب فعالیت عبارت اند از: حلّه، جبل عامل و اصفهان.

این سه قرن تلاش فقیهان را دوران استقلال فقه شیعه گوئیم.

۲. ویژگی های این مرحله: پویندگی فقه شیعه در این دوران، چنان بود که در اندازه و چگونگی (کم و کیف) شکل و قالب، محتوا و نوع آثار فقهی و اصولی، پدیدار شد. البته نمودهای بیرونی این رشد و پویندگی، در زمینه های گوناگونی بود.

در این دوران، فقه تشیع از مرحله تقلید و کشانده شدن به پیروی از سبک فقه حاکم در دوران پیشین، بیرون آمده و برای همین، این گاه را دوران استقلال نامیدیم.

۳. نمودهای رشد و پویندگی در این عصر: نخست تأثیر در زمینه اصول فقه اجتهادی و ابزار لازم در تفقه آن همچون رجال و درایه، و همچنین: عرصه های فقه اجتهادی، پدیده هایی چند وجود دارد که قابل توجه بوده و شایسته مطالعه باشد که در دو عرصه مهم تبیین می گردد:

عرصه نخست: عرصه ابزار و قواعد تفقه در دین، که در چهار زمینه اشاره می شود

الف. در زمینه اصول فقه: ۱. توجه بایسته به علم اصول فقه که به پیرایش و دوباره نگری مباحث و چینش درست آنها انجامید، سبب گسست جدی این مباحث از مباحث اصولی اهل سنت شد.

سنجش معارج الاصول محقق حلی و نهاییه الوصول شاگردش علامه حلی (که از بزرگان این عصر بود) با الذریعة و العده سید مرتضی و عدة الاصول شیخ طوسی (از بزرگان دوران قبل) ویژگی این مرحله را به خوبی برمی نماید.

۲. گسترش مباحث و مسائل علم اصول که برگرفته از توجه گسترده به آن بود، سبب به کارگیری علم اصول در مباحث فقهی شد، چنان که مباحث فقه

وحید بهبهانی (وفات: ۱۲۰۵ ه.ق) که از گسترش اخباری‌گری پیش‌گیری کرد، اصولیان را نیز به میانه‌گرایی بازگرداند و آن‌گاه به دور از هر گونه افراط و تفریطی، شیوه‌ای را بر پایه اصول عقلی و نقلی بنا کرد. دهه‌های آخر قرن دوازدهم را پایان این دوره می‌توان دانست. در این دوران که دو قرن به طول انجامید، روش فقهی دست‌کم هفت نسل از فقیهان شیعه، به‌رغم وابستگی‌شان به مکتب اهل بیت (ع) دوسویه و جدا از هم بود.

تجارت در این مرحله، گسترش شایان و قابل توجه یافت.

۳. توجه ویژه به علم اصول فقه، سبب دگرگونی و تحولی چشمگیر در تدریس و تألیف در زمینه این علم شد؛ چنان‌که علامه حلی دست‌کم سه کتاب را در موضوع اصول فقه برای سه سطح علمی ابتدایی، متوسط و عالی طلاب به رشته تحریر درآورد.

ب. در زمینه علم درایه: همان‌گونه که در دوران گذشته پیش‌آن به‌خبر واحد دارای شرایط حجیت روی آورده شد، در این مرحله نیز این دیدگاه، با ویرایش و بازنگری مجدد و طبقه‌بندی دقیق‌تر برای انواع خبر واحد تحوّل‌ی جدید در استدلال‌های فقهی به عمل آمد.

با فزونی طرفداران حجیت خبر واحد، بحث‌ها و تحقیقات مرتبط با این اصل بسیار مهم نیز پیراسته و منظم شد؛ در پی تقسیم‌ثنائی (دوگانه) احادیث به معتبر و غیرمعتبر، مکتب محقق و علامه، تربیع احادیث (تقسیم‌بندی چهارگانه روایات) را پدید آورد.

این پدیده، نشان از پیشرفتی آشکار در ابزار و اصول به‌کار رفته در استنباط به‌شمار می‌رود، زیرا دقت نظر در گزینش احادیث را برمی‌نماید و این دقت در فرایند اجتهاد اثری ویژه داشت.

ج. در زمینه علم رجال: در دوره گذشته، با اولین تلاش‌های شیخ طوسی

برای پایه‌گذاری علم رجال، مهم‌ترین ابزار شناخت احادیث صحیح و معتبر، آشنا شدیم. فقیهان پس از ایشان نیز استقراء و مطالعه حالات تمام روایان حدیث و جدا کردن افراد ثقه از غیر ثقه را ضروری دیدند. از سوی دیگر، وجود نام‌های مشترک میان روایان، تلاش پی‌گیری را برای شناخت و جداسازی صاحبان این نام‌ها را می‌طلبید که آثار رجالی علامه حلی، مانند: ایضاح الاشتباه و خلاصة الاقوال به خوبی این تلاش وی را نشان می‌دهد.

د. سایر ابزارها و دانش‌های تأثیرگذار در اجتهاد: فقیهان این دوره، و پیشاپیش آنان خواجه نصیرالدین طوسی و شاگردش علامه حلی از دیگر دانش‌های کارا در فقه، مانند: حساب و ریاضی در مباحث ارث، خمس، زکات و معاملات و علم هیئت و نجوم در بحث‌های قبله، هلال، اوقات نماز و ... بهره‌جستند؛ افزون بر آن که منطق و کلام نیز هم در فقه و هم در اصول فقه کارایی دارند.

عرصه دوم: عرصه فقهات که در نکات ده‌گانه ذیل اشاره می‌گردد.

دوری از روحیه تقلید و اثرپذیری از سایر مکتبهای فقهی مهم‌ترین پدیده فقهی این دوران است. علت پدید آمدن این روحیه، کوشش فقیهان در گستراندن فقه استدلالی و تفریعی، برای اثبات برتری فقه شیعه فقه اهل سنت بود. درآمد این کشاکش فقهی، به پدید آمدن عنوان‌های جدید و فتوی‌ها و استدلال‌های ویژه انجامید.

الف. دیدگاه‌های فقهی مستقل شیعه، با بازنگری در اصول فقه و دیگر ابزار استنباط به تدریج به وجود آمد. و فرآورده‌های فقهی چه در قالب و چه در محتوا دگرگون شد. و تبویب جدید کتاب‌های فقهی شیعه نشانگر این تحول می‌باشد.

ب. در این دوره، گروهی به پیرایش میراث فقهی و اصولی گذشتگان و بازنگری در روش‌ها، و نوشته‌های فقهی رسیده از آنان روی آوردند. برای پی بردن به این باره، بسنجید روش محقق حلی را در شرایع و مختصر و نیز علامه را در تبصره و شهیدین را در لمعه و روضه با روش نهاییه و مبسوط شیخ طوسی

که در دوران پیشین نوشته شده است.

ج. از پیامدهای این استقلال در دیدگاه‌ها، پدید آمدن مجموعه‌های فقهی گوناگونی بود که چه از لحاظ سطح علمی، و چه از لحاظ گستره بحث‌ها، تنوع ابواب و فراگیری مسائل مختلف زندگی قابل توجه می‌باشد. در این مجموعه‌ها، مباحث فقهی گذشتگان پیراسته و بازنگریسته شده است.

د. در بُعد فقه مقارن، پس از گذر دوره نوآوری‌های شیخ طوسی، مقایسه‌های فقهی آراء و مکاتب در ساختار و محتوا گسترده و عمیق‌تر شد، چنان‌که چندین اثر، تحقیقاتی مقایسه‌ای گرد آمد؛ از جمله کتاب *مختلف الشیعه*، برای مقایسه نظریه‌های فقیهان شیعه است که آثار مثبتی را بر فقه شیعه گذاشت، و نیز می‌توان یاد کرد از: کتاب‌های *تذکره الفقهاء* و *منتهی المطلب علامه حلّی*، بویژه اگر سبک و محتوای آن دو را باهم بسنجیم یک تحوّل چشمگیر در این مرحله مشاهده می‌گردد که فقه مقارن برون مذهبی بشمار می‌رود.

هـ. افزون بر چندگونی اهداف و تلاش‌های فقهی این عصر، نوشته‌های تحوّل حاصل در تألیف کتاب‌های فقهی چه در کمّ و چه کیف چشمگیر شد؛ از تألیفات فقهی غیر استدلالی تا نوشته‌هایی با برترین استدلال‌های فقهی. مانند: *المختصر النافع* و *تبصرة المتعلمین* به عنوان متن درسی، کوتاه و کاملی که دارا هستند، در کنار *اللمعة الدمشقیة*، که تاکنون محور تدریس و تحصیل در حوزه‌های علمی می‌باشد. از ویژگی‌های مهم این دوره و ویژگی سطوح مختلف حوزه قابل استفاده می‌باشند، فقیهان شیعه توجه ویژه‌ای به این متون داشته و با شرح و توضیح این متون درسی اهمیت این متون را نشان داده‌اند، که نشانه برگزیدن و تأیید آنها است.

و. گردآوری قواعد فقهی که از لابلای مباحث فقهی بیرون کشیده شد، چنان‌که در کتاب‌های *القواعد والفوائد*، و *نضد القواعد الفقهیه* برتابیده، از پیشرفت‌های فقهی این دوره است.

ز. در این عصر، بحث‌های فقه تجارت بلکه فقه معاملات گسترانده شد، زیرا افزون بر پیشرفت مباحث اصولی، قواعد فقهی نیز گرد آمده بود و تأثیر فراوانی بر روند استدلال و فقاہت بر جای گذاشت.

ح. حکومت اسلامی و شیعی، در دهه‌های پایانی این دوران، پایه‌گذاری شد. از آن جا که این حکومت، بر پایه فقه اهل بیت و دنباله روی روش آنان در زندگی بود، نیاز به تدوین فقه حکومت داشت.

افزون بر تلاش‌های شهید اول در تدوین فقه حکومتی برای سربداران، پس از آن که محقق کرکی، نظارت بر حکومت صفوی را پذیرفت، توجه فقها به مسائل دولت و احکام حکومتی برانگیخته شد.

پی‌آمد این بررسی‌ها، نظریه پردازان در فقه، مسئله ولایت فقیه و گستره اختیارات او را بررسی نموده و رساله‌هایی فقهی زمینه مسائل فقه حکومتی، مانند: خراج و نماز جمعه و ... نوشتند.

ط. محقق کرکی در این دوره، فقه استدلالی را با ژرف‌اندیشی و دقت کم‌نظیری و دوری از روش فقه اهل سنت، به خوبی پرداخت، و به رشته تحریر درآورد.

ی. در این مرحله، فزونی آراء و نوآوری‌ها در اصول و فقه، پیشرفت علمی فقه تشیع را پس از سه قرن تلاش پیاپی برنمایاند.

۴. مراکز فقهی مهم، در این زمانه: در این دوران، سه مرکز فقهی شیعی، با ویژگی‌های جدا از هم، به شهرت رسیدند و جلودار حوزه‌های تشیع، در علم فقه شدند.

این مراکز به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. حوزه حله؛

۲. حوزه جبل عامل؛

۳. حوزه اصفهان.

هر چند حوزه حله بازتاب و تداوم حوزه های بغداد و نجف شمرده می شود، ولی به دلیل استقلال آن حوزه، باید آن را حوزه ای پیشرو دانست. البته چنان که حوزه جبل عامل، قواعد فقهی را گرد آورد و در فقه معاملات بسیار کوشید، حوزه اصفهان در پرداخت تئوری و عملی فقه دولت برجسته بود. بدین گونه، فقه شیعه در دو بُعد نظری و تطبیقی استقلال کامل یافت و از فقه فردی (احوال شخصیه) به فقه اجتماع و حکومت رسید. به رغم گذشت چندین قرن از آغاز غیبت کبری تلاش دشمنان برای نابود کردن مکتب اهل بیت و شیعیان.

۵. فهرست نام بزرگان مرحله سوم (دوران استقلال) و آثار فقهی آنان:

۱. نجم الدین جعفر بن حسن، معروف به محقق طوسی (وفات: ۶۷۶هـ. ق):
 ۱. شرایع الاسلام؛ ۲. العزیه؛ ۳. المختصر النافع؛ ۴. المسائل البغداده؛
 ۵. المسائل الطبریه؛ ۶. المسائل الکمالیه؛ ۷. المسائل المصریه؛
 ۸. المصطلحات الفقهیه؛ ۹. المعتمر؛ ۱۰. نکت النهایه؛ ۱۱. استحباب التیاسر لأهل العراق.
۲. حسین بن ابی طالب یوسفی، معروف به فاضل آبی (زنده در ۶۷۲هـ. ق):
 ۱. کشف الرموز.
۳. یحیی بن سعید بن سعید حلّی (وفات: ۶۸۹ یا ۶۹۰هـ. ق):
 ۱. جامع الشرائع؛ ۲. نزّه الناظر؛ ۳. جامع الخلاف والوافق بین الامامیه وأئمة الحجاز والعراق.
۴. ابن داوود حلّی (زنده در ۷۰۷هـ. ق):
 ۱. عقد الجواهر فی الاشباه والنظائر؛ ۲. تحصیل المنافع من کتاب النافع؛
 ۳. التحفة السعدیه؛ ۴. المقتصر من المختصر.
۵. حسن بن یوسف بن مطهر اسدی حلّی، معروف به علامه حلّی (وفات: ۷۲۶هـ. ق):

۱. أجوبة المسائل المهنية؛ ۲. أجوبة المسائل ابن زهره؛ ۳. أجوبة المسائل الفقهية؛ ۴. ارشاد الأذهان؛ ۵. تبصرة المتعلمين؛ ۶. تذكرة الفقهاء؛ ۷. تلخيص المرام؛ ۸. قواعد الأحكام؛ ۹. مختلف الشيعة؛ ۱۰. منتهى المطلب؛ ۱۱. نهاية الأحكام؛ ۱۲. حواشى قواعد الأحكام؛ ۱۳. رسالة فى المواريث؛ ۱۴. رسالة فى واجبات الحج؛ ۱۵. تحرير الأحكام الشرعية.

۶. ضياء الدين عبدالله بن محمد اعرجى حسینی حلی (زنده در ۷۴۰هـ.ق):

۱. تحرير التحرير.

۷. عبدالمطلب بن محمد اعرج حسینی عميدى، معروف به سيد عميدالدين (وفات: ۷۵۴هـ.ق):

۱. كنز الفوائد؛ ۲. المسأله النافعة.

۸. محمد بن حسن بن يوسف اسدى حلی، معروف به فخر المحققين

(وفات: ۷۷۱هـ.ق): *مرآتیه تحقیقاتیه* *میتوز علوم اسلامی*

۱. ايضاح الفوائد؛ ۲. حاشية الارشاد؛ ۳. حواشى متفرقة؛ ۴. جامع

الفوائد؛ ۵. معنى قول العلامة فى القواعد؛ ۶. مسائل بعض الاجله؛

۷. مسائل بعض الفضلاء؛ ۸. المسائل الفقهية؛ ۹. المسائل المظاهريه؛

۱۰. المسائل الناصريات؛ ۱۱. الفخرية فى معرفة النيه؛ ۱۲. رسالة فى

الحج؛ ۱۳. المسائل الأمليات.

۹. عبدالرحمن بن محمد عتايقى (زنده در ۷۷۹هـ.ق):

۱. درر النقاد (شرح ارشاد الأذهان).

۱۰. محمد بن مكى عاملى، معروف به شهيد اوّل (وفات: ۷۸۶هـ.ق):

۱. أجوبة المسائل الفقهية؛ ۲. أجوبة مسائل محمد بن مجاهد؛ ۳. اجوبة

مسائل مقداد بن عبدالله السيورى؛ ۴. اربع مسائل فقهيه؛ ۵. البيان؛

۶. الدروس الشرعية؛ ۷. ذكرى الشيعة؛ ۸. غايه المراد؛ ۹. اللعة

- الدمشقيه؛ ١٠. الالفيه؛ ١١. رسالة فى ابداع السفر فى شهر رمضان؛
 ١٢. رسالة فى خلل الصلاة؛ ١٣. خلاصة الاعتبار فى الحج والاعتمار؛
 ١٤. مسائل تزاخم الحقوق؛ ١٥. القواعد والفوائد؛ ١٦. التكليفيه؛
 ١٧. المنسك الكبير.

١١. احمد بن عبدالله بن سعيد بحراني، معروف به ابن متوَّج (وفات:
 ٨٢٠هـ.ق):

١. الفرائض؛ ٢. كفاية الطالبين؛ ٣. مجمع الغرائب؛ ٤. وسيلة القاصد.
 ١٢. زين الدين على بن حسن خطى بحراني (وفات: نخست قرن نهم):
 ١. رسالة فى خلل الصلاة؛ ٢. الفرائض.

١٣. جمال الدين مقداد بن عبدالله حلى اسدى، معروف به فاضل مقداد
 (وفات: ٨٢٦هـ.ق):

١. التنقيح الرائع؛ ٢. كنز العرفان؛ ٣. جامع الفوائد؛ ٤. نضد القواعد
 الفقهيه؛ ٥. التحفة الناجية فى التقربات الالهيه.

١٤. جمال الدين احمد بن محمد اسدى، معروف به ابن فهد اسدى
 (وفات: ٨٤١هـ.ق):

١. اجوبة المسائل الفقهيه؛ ٢. اجوبة المسائل؛ ٣. الفتاوى؛ ٤. اللوامع؛
 ٥. المسائل البحريه؛ ٦. المسائل الشامية الأولى؛ ٧. المحرر؛
 ٨. المقتصر؛ ٩. الموجز؛ ١٠. المهذب البارع؛ ١١. رسالة فى احكام
 عقد النكاح؛ ١٢. بغية الراغبين (رسالة فى كثير الشك)؛ ١٣. رسالة فى فقه
 الصلاة؛ ١٤. غاية الايجاز؛ ١٥. الهدايه؛ ١٦. مسألة فى الاحباط
 والتكفير؛ ١٧. رسالة فى خلل الصلاة؛ ١٨. كفاية المحتاج؛ ١٩. اللمعة
 الجليه فى معرفة النيه؛ ٢٠. رسالة فى مناسك الحج؛ ٢١. مصباح
 المبتدى؛ ٢٢. شذرة النضيد؛ ٢٣. مسألة فى صلاة الميت؛ ٢٤. رسالة فى
 تحمل العبادة عن الغير و كيفية الاستنابه؛ ٢٥. رسالة فى نيات الحج؛

- ۲۶ . رساله فی نیات العبادات .
- ۱۵ . ابن فهد احسائی (وفات : ۸۴۰ هـ . ق) :
- ۱ . خلاصه التفتیح .
 - ۱۶ . شمس الدین محمد بن شجاع حلّی ، معروف به قطان یا ابن قطان (وفات : نیمه نخست قرن نهم . گفته اند که در سال ۸۳۱ هـ . ق زنده بوده است) :
 - ۱ . معلم الدین فی فقه آل یاسین . - ۱۷ . ابراهیم بن لیث حسینی (وفات : میانه قرن نهم) :
 - ۱ . المقدمة الفرعیة .
 - ۱۸ . شمس الدین علی تولانی نحازیری عاملی (وفات : میانه قرن نهم) :
 - ۱ . کفایة المهتدی (التولانیة) ؛ ۲ . المسائل الفقهیة (مسائل ابن طی) ؛
 - ۳ . الدر المنضود فی صیغ العقود . - ۱۹ . فخرالدین احمد بن محمد سیبغی عاملی (زنده در ۸۵۴ هـ . ق) :
 - ۱ . سدید الافهام ؛ ۲ . الدرّة الدرّیة ؛ ۳ . الانوار العلیة . - ۲۰ . مفلح بن حسن [حسین] بن راشد صیمری (زنده در ۸۸۷ یا ۸۷۳ و گفته شده پیرامون ۹۰۰ هجری قمری) :
 - ۱ . غایة المرام فی شرح شرائع الاسلام ؛ ۲ . كشف الالتباس (شرح الموجز لابن فهد) ؛ ۳ . التنبیه علی غرائب من لایحضره الفقیه ؛ ۴ . رساله فی سهو الصلاة الیومیة ؛ ۵ . جواهر الکلمات ؛ ۶ . النبذة العقودیة فی الصیغ النکاحیة . - ۲۱ . علی بن حسین عاملی ، معروف به محقق کرکی یا محقق ثانی (وفات : ۹۴۰ هـ . ق) :
 - ۱ . فوائد الشرایع (حواشی علی شرایع الاسلام) ؛ ۲ . جامع المقاصد (شرح قواعد العلامه) ؛ ۳ . تعلیق الارشاد ؛ ۴ . اجوبة المسائل الفقهیة ؛ ۵ . اجوبة المسائل الفقهیة (مجموعه اخرى) ؛ ۶ . اجوبة المسائل الصیمریة ؛ ۷ . اجوبة

مسائل وردت فی سنه ٩٢٩؛ ٨. اجوبه مسائل مولانا يوسف المازندرانی؛
 ٩. اجوبه المسائل الفقيهيه (مجموعه اخرى)؛ ١٠. اجوبه المسائل الفقيهيه
 (مجموعه اخرى)؛ ١١. فتاوى؛ ١٢. المسموعه؛ ١٣. رساله فى التقيه؛
 ١٤. رساله فى وجوب طهاره لمس كتابه الله؛ ١٥. رساله فى ما تنجس
 بعضه واشتبه موضع النجاسه؛ ١٦. الالفیه؛ ١٧. الجعفریه؛ ١٨. حاشیه
 تحرير الاحكام؛ ١٩. حاشیه قواعد الاحكام؛ ٢٠. حاشیه الالفیه؛ ٢١.
 حاشیه مختلف الشيعه؛ ٢٢. حاشیه المختصر النافع؛ ٢٣. النجمه؛ ٢٤.
 معانى افعال الصلاه؛ ٢٥. رساله فى القبلة؛ ٢٦. رساله فى جواز السجود
 على التربة الحسينية المشويه؛ ٢٧. رساله فى صلاة الجمعة؛ ٢٨. رساله فى
 خلل الصلاه؛ ٢٩. فوائد فى صلاة المسافر؛ ٣٠. رساله فى الحج والعمره؛
 ٣١. صيغ العقود والايقاعات؛ ٣٢. انيس التوابين؛ ٣٣. قاطعة اللجاج؛
 ٣٤. رساله فى تحقيق البيع بشرط الخيار؛ ٣٥. رساله فى تصرف المشتري
 فى زمن الخيار؛ ٣٦. رساله فى شروط النكاح؛ ٣٧. رساله فى الرضاع؛
 ٣٨. رساله فى المتعه؛ ٣٩. رساله فى طلاق الغائب؛ ٤٠. رساله فى
 الارض المندرسه؛ ٤١. شرح مبحث الميراث؛ ٤٢. رساله فى العداله.

٢٢. ابراهيم بن سليمان قطيفى (زنده در ٩٤٥ هـ. ق):

١. رساله فى التيه؛ ٢. رساله فى الرضاع؛ ٣. الرساله النجفيه فى سهو
 الصلاة اليوميه؛ ٤. السراج الوهاج؛ ٥. الهادى الى الرشاد؛ ٦. حاشيه
 الارشاد؛ ٧. كشف الفوائد؛ ٨. شرح الالفیه؛ ٩. حاشیه الالفیه.

٢٣. محمد بن حارث منصورى بحراني (زنده در ٩٥٢ هـ. ق):

١. السيفية؛ ٢. رساله فى معرفة القبلة؛ ٣. مسأله فى اشتراط استقرار
 الحياه فى الذبيحه.

٢٤. على بن احمد بن هلال منشار عاملى (وفات: ميانه قرن دهم):

١. صيغ العقود والايقاعات.

٢٥. زين الدين بن على بن احمد عاملى، معروف به شهيد ثانى (وفات: ٩٦٦هـ.ق):
١. فوائد القواعد؛ ٢. حاشية الشرايع؛ ٣. مسااك الافهام؛ ٤. روض الجنان؛ ٥. الروضة البهيه؛ ٦. اجوبة مسائل حسين بن ربيعة المدنى؛ ٧. اجوبة مسائل ابن فروج؛ ٨. اجوبة المسائل المازحيه؛ ٩. اجوبة المسائل التجفيه؛ ١٠. اجوبة المسائل الشاميه؛ ١١. اجوبة مسائل شكر بن حمدان؛ ١٢. اجوبة مسائل السيد شرف الدين السماكى؛ ١٣. فوائد متفرقه؛ ١٤. مجموعة الافادات؛ ١٥. مسائل التلميذ؛ ١٦. المختار من مواضع الخلاف؛ ١٧. حاشية المختصر النافع؛ ١٨. رسالة فى النيه؛ ١٩. الاقتصاد والارشاد؛ ٢٠. الاسطنبوليه فى الواجبات العينيه؛ ٢١. حاشية الارشاد؛ ٢٢. تمهيد القواعد؛ ٢٣. المقاصد العليه؛ ٢٤. حاشية الالفية؛ ٢٥. حاشية اخرى على الالفية؛ ٢٦. مقالة فى وجوه البحث على صلاة الجمعة؛ ٢٧. رسالة فى خلل الصلاة؛ ٢٨. مناسك الحج الكبير؛ ٢٩. مناسك الحج؛ ٣٠. صيغ العقود؛ ٣١. حاشية على كتاب الفرائض من المختصر النافع؛ ٣٢. رسالة فى العدالة.

٢٦. على بن حسين حسيني، معروف به ابن صائغ عاملى (زنده در ٩٦٩ و يادر ٩٨٠هـ.ق):

١. مجمع البيان فى شرح ارشاد الازهان؛ ٢. شرح شرايع الاسلام.
٢٧. حسين بن عبدالصمد عاملى، پدر شيخ بهائى (وفات: ٩٨٤هـ.ق):
١. مسألان؛ ٢. مسائل فقيهه؛ ٣. التساعيه؛ ٤. الواجبات الملكيه؛ ٥. حاشية الارشاد؛ ٦. شرح الالفية؛ ٧. تحفة اهل الايمان؛ ٨. قبله عراق العجم و خراسان؛ ٩. رسالة فى وجوب صلاة الجمعة؛ ١٠. رسالة فى حلية جوائز السلطان؛ ١١. رسالة فى الاقرار؛ ١٢. رسالة فى الرضاع؛ ١٣. رسالة فى اليد والشياع؛ ١٤. العقد الحسينى.
٢٨. عبدالعالى بن على كركى، فرزند محقق كركى (وفات: ٩٩٣هـ.ق):

۱. رساله فی البلوغ وحده؛ ۲. النظامیه؛ ۳. رساله فی الكبائر؛ ۴. حاشیه المختصر النافع؛ ۵. منهج السداد؛

۲۹. حسین بن علی بن عبدالعالی کرکی (وفات: پایانه قرن دهم ه. ق.):

۱. البلغة فی صلاة الجمعة؛ ۲. الامر بالمعروف والنهی عن المنکر.

مرحله چهارم: ۱. محدوده زمانی این دوره: برابر با پیدایی مکتب محقق اردبیلی (وفات:

دوران تندروی ۹۹۳ ه. ق) در دهه های آخر قرن دهم هجری و پی گیری مکتب او توسط

اخباری گری شاگردان مشهور او، مانند: صاحب معالم و صاحب مدارک، این دوران نیز

و تعقل گرایی آغاز شد. برخورد سخت گیرانه این مکتب در پذیرش خبر واحد، به برانگیخته

شدن مکتب اخباری گری انجامید، زیرا پی آمد این نگرش سخت گیرانه، به

نامعتبر شدن اخبار بسیار زیادی می انجامید که گذشتگان آنها را گردآورده بودند

و مورد استفاده پیشینیان قرار گرفته بود.

وحید بهبهانی (وفات: ۱۲۰۵ ه. ق) که از گسترش اخباری گری پیش گیری

کرد، اصولیان را نیز به میانه گرایی بازگرداند و آن گاه به دور از هر گونه افراط

و تفریطی، شیوه ای را بر پایه اصول عقلی و نقلی بنا کرد. دهه های آخر قرن

دوازدهم را پایان این دوره می توان دانست.

در این دوران که دو قرن به طول انجامید، روش فقهی دست کم هفت نسل از فقیهان

شیعه، به رغم وابستگی شان به مکتب اهل بیت (ع) دوسویه و جدا از هم بود.

۲. سوگیری ها و ویژگی های این دوران:

الف. جریان عقل گرا؛ سرچشمه ها و نتیجه ها: نقد فراوان فتاوا و استدلال های

مشهور که دو اثر به کارگیری دقیق قواعد اصولی و رجالی جدید در دوران

پیشین طراحی شده بود، پذیرفتن روایات بسیاری را سخت می نمود. اگرچه

پیشینیان از فقیهان، اخبار را یا مقبول می دانستند و یا مردود، فقیهان این دوره

اخبار و احادیث را به چهار دسته: صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم کردند که پدید آمدن آراء جدیدی را در باره اعتبار خبر واحد نشان می دهد؛ خبر واحدی که بیشتر دلیل ها و استدلال های فقهی در احکام شرعی بر پایه آن است. فقیهان سختگیر در پذیرش شهادت گواهان بر عدالت راویان اخبار به ناچار مجموعه ای از احادیث را باید کنار می گذاشتند، و گام به گام از سنت دوری می گزیدند و بیشتر به دو منبع دیگر اجتهاد، یعنی: عقل و قرآن کریم باید رومی آوردند. پسینه سختگیری در سند، به سختگیری و نازک بینی در دلالت و پیام احادیث نیز انجامید.

ژرف نگری عقلی محض در مفاهیم روایات و چگونگی استدلال به آنها، پدیده عقل گرایی را در فقه سبب شد. البته تلاش های فلسفی مکتب اصفهان نیز تأثیرگذار بود، زیرا در این دوران، گروهی از فقیهان بزرگ، از فیلسوفانی نام آور شمرده می شدند.

پسچیده کردن قوانین علم اصول و بازنگری در آنها افزون بر زیاده روی در عقل گرایی، رویکردی گسترده را به قرآن کریم سبب شد؛ پایه های اصلی قوانین اسلامی، بر عمومات و اطلاقات قرآن استوار است و نه همانند خبر واحد که استادش به معصوم باید به اثبات برسد، این رویکرد را در سوگیری آثار فقهی محقق اردبیلی بویژه زبده البیان او، به آیات قرآن می توان یافت.

فقیهان به پشتوانه عمومات و اطلاقات قرآنی که قید یا استثناپذیری آنها با خبر واحد معتبر ثابت نشده، به نگرش جدیدی که دست یافتند که این دوره به وجود آمد نتیجه ای جز اعتماد فراوان به اطلاقات و عمومات قرآنی و چشم پوشی از قیدهای روائی نداشته و می توان آن را یک نوع از تساهل و تسامح پنداشت.

چنین تساهلی، مقلدان را از تکالیفی که فقیهان پیشین - با توجه به قیدها و استثناهای برآمده از خبرهای واحد بر اطلاقات و عمومات آیات - بدان فتوی

می دادند، بازمی داشت و روایت های بسیاری را که مدرک و مستند احکام شرعی بودند، نامعتبر می کرد. در پی روند دشوارپذیری روایات معتبر، فرزند شهید ثانی با نوشتن متقی الجمان، حتی احادیث صحیح را نیز در دو دسته آورد. روند دشوارپذیری وی، معیار فقیهان گذشته را در پذیرش حدیث صحیح نمی پذیرد و شرایط جدیدی را برای حدیث صحیح پیش می نهد. اصولیان پیش از او، گواهی یک فرد عادل را برای پی بردن به وثاقت راویان حدیث صحیح بسنده می دانستند، اما او گواهی دو نفر عادل را برای پذیرش حدیث صحیح شرط گذاشت که افراطی ترین نظریه در ارزش گذاری منابع قانون گذاری و اجتهاد بود، زیرا مجموعه بزرگی از روایات صحیح و حسن و موثق را از منبع اصلی اجتهاد برکنار می کرد. بسنده کردن به شمار اندکی از روایات که وثاقت راویانش را دو شاهد عادل گواهی داده اند، ناگزیر کاهش منابع روایات را برای استنباط در پی دارد که به فزونی گراییدن به منابع دیگر، یعنی: کتاب و عقل می انجامد.

آن گاه از آن جا که در آراء و مبانی اصولی پیشینیان بازنگری شده بود، نظریات و اجماع های به دست آمده از آنان نیز به نقد و بررسی کشیده شد.

این تندروی، نقش پذیری «ظن» را در اجتهاد پی آورد و رفته رفته مکتب فقهی تشیع را به مکاتب نکوهش شده بر پایه «رای» و «قیاس»، نزدیک کرد.

این گذار را دوران تندروی نامیدیم، زیرا: از سویی، زیاده از اندازه در معتبر دانستن خبر واحد و منابع نقلی اجتهاد نازک بینی و سختگیری می شد و از سوی دیگر، یک نوع توجه افراطی به دلیل های عقلی و دلیل های نقلی قطعی یا شبه قطعی، می شد. بدین گونه، فقه شیعه که پیوسته از نظریه پردازی های ناکارآمد پرهیز می کرد، آرام آرام به سوی نظریه پردازی های عقلی و اجرانشدنی پیش رفت که برخلاف مبنای اصلی این مکتب، یعنی تسلیم بودن در برابر وحی و محور قرار دادن آن در زندگی انسان می نمود. این مکتب، چه در دوران

زندگی پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - و چه پس از آن، همواره می کوشید تا از بشری سنجی در برابر وحی پرهیزد، زیرا به کنار زدن روش جانشینان پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله - و پذیرفتن اجتهاد ناصحیح گروهی از یاران پیامبر می انجامید.

تندرو نامیدن گرایش های این دوران، به معنای تندرو بودن همه فقیهان این زمانه را نمی باشد، بلکه تنها آن را بدان دلیل چنان نامند که نام بزرگانی بر تارك آن می درخشد؛ بزرگانی مانند: مقدس اردبیلی (ره) و شاگردان مکتبش: صاحب معالم (ره) و صاحب مدارك (ره) که در نوشته های فقهی معروف خویش راه محقق اردبیلی را پی گرفتند، چنان که می توان گفت: صاحب معالم با دشوارپذیری شرایط قبول خبر واحد، بذر نظریه حجیت مطلق ظن را پاشید.

با توجه به توضیحاتی که گذشت، ویژگی های این دوره را می توان در موارد زیر برشمرد:

۱. توجه ویژه به علم اصول فقه و زیاده ژرف نگری عقلی و بهره برداری از قواعد فلسفی در اثبات برخی قواعد اصولی؛ چنان که از مقدمه اصولی معالم الدین شیخ حسن بن زین الدین، و الوافیه فاضل تونی پیداست.

۲. محدود نمودن دایره حجیت خبر واحد؛

۳. تردید در اعتبار بسیاری از اجماع ها و آرای فقیهان پیشین؛

۴. به کارگیری فراوان قواعد فلسفی در جریان استنباط و اجتهاد در زمینه کشف قوانین الهی و استدلال های فقهی؛

۵. فراهم شدن بستر نظریه حجیت مطلق ظن، همراه با نامعتبر شدن خبرهای واحد کارا در اجتهاد؛

۶. رویکرد جدی به عمومات و اطلاعات قرآن کریم با توجه به محدود شدن روایات مخصّص عمومات یا مقید اطلاعات.

ب. سرچشمه ها و پیامدهای اخباری گری: افراط برخی از فقیهان اصولی

در عقل‌گرایی، به واکنش و افراط گروهی دیگر در پذیرش خبر واحد، تنگ کردن دایره عقل و یا در برخی موارد، بستن راه عقل در استنباط انجامید. از آن پس، ایشان با پدید آمدن اندک شبهه و ابهامی روایات را به دور نمی‌افکندند و در تشخیص وثاقت راویان احادیث و پذیرفتن روایات نابرابر با عقل متعارف، سهل‌انگاری می‌کردند. همچنین در گردآوری روایات مجموعه‌های حدیثی گوناگون بسیار کوشیدند و بر تقسیم‌بندی احادیث به قوی و ضعیف خرده گرفتند، چنان‌که برخی از فقیهان، اعتماد به همه احادیث کتب اربعه شیعه (کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار) را ضروری شمردند. اینان چنان‌که قطعی بودن سند و روشن بودن محتوای روایت‌های کتب اربعه اعتقاد داشتند که با وجود روایات صریح درباره آیه‌ای از قرآن، هیچ‌گونه تفسیر و فهم عرفی از آن را نمی‌پذیرفتند و گاه برخی، منهای تفسیر اهل بیت (ع)، آیات را استنادپذیر نمی‌دانستند.

بسنده کردن تندروان به متون روایی، ناکارایی اجتهاد را در قرآن کریم سبب شد. از این پس، دو گروه اخباری پدید آمد: گروهی نزدیک به میانه‌روی و گروهی افراط‌گرا در پذیرفتن احادیث و کم‌توجه به دلیل عقل و کتاب. اخباری‌گرانی چون: صاحب حدائق الناظره، فیض کاشانی و حرّ عاملی، افزون بر نقد برخی از مباحث اصول فقه، به مجموعه‌ای از نظریات اصولی پذیرفته شده و کارا در اجتهاد، مانند: حجیت اجماع و حجیت قرآن خرده گرفتند.

پیامدهای این افراط را می‌توان چنین برشمرد:

۱. از میان بردن جایگاه عقل در استنباط و لغو شمردن حجیت دلیل عقل؛
۲. گسترش رویکرد به حجیت احادیث و گردآوری مجموعه‌های بزرگ حدیثی، چون: بحار الانوار از مجلسی، وسایل الشیعه از حرّ عاملی و الوافی از فیض کاشانی؛
۳. نامعتبر دانستن اجماع؛

۴. نامعتبر دانستن ظواهر قرآن کریم؛
۵. سختگیری در تمام شبهه‌ها و اجرای اصل احتیاط در شک‌های بدوی و جلوگیری از اجرای اصل برائت در آنها؛
۶. نپذیرفتن تقلید از مجتهدان و گرایش دادن آنان به روایات اهل بیت (ع).

۳. فهرست بزرگان دوران چهارم و آثار فقهی آنان:

۱. احمد بن محمد، معروف به مقدس اردبیلی (وفات: ۹۹۳ هـ. ق):
 ۱. مجمع الفائدة والبرهان؛ ۲. زبدة البیان؛ ۳. مناسک الحج (فارسی)؛
 ۴. رساله فی الخراج؛ ۵. رساله مختصرة فی الخراج؛ ۶. مسألة فی الذبیح؛ ۷. رساله فی الصلاة والصوم (فارسی).
۲. علی بن ابراهیم بن سلیمان قطیفی (زنده در ۹۹۵ هـ. ق):
 ۱. شرح ترددات النافع.
۳. ماجد بن فلاح بن حسن شیبانی (وفات: پایانه قرن دهم):
 ۱. رساله فی حرمة التصرف فی الآجر والحجارات المستخرجة من خرابات الکوفة والحائر وطوس وغيرها؛ ۲. رساله فی حلّ الخراج؛ ۳. رساله فی وجوب الاتجار بمال الصغیر واستنمائه له؛ ۴. رساله فی الرضاع؛ ۵. رساله فی حلیة العنب والزبيب الملقیین فی الخل لکسب الحموضه.
۴. نورالدین علی بن احمد بن ابی جامع عاملی (وفات: پایانه قرن دهم):
 ۱. شرح قواعد الأحکام.
۵. عبدالعلی بن محمود خادم، معروف به چاپلقی (وفات: پایانه قرن دهم):
 ۱. رساله فی صلاة الجمعة؛ ۲. رساله فی صلاة الجمعة (فارسی)؛
 ۳. شرح الألفیه؛ ۴. شرح فارسی بر الفیه.
۶. حسین بن حسن حسینی، معروف به سید حسین مجتهد کرکی (وفات: ۱۰۰۱ هـ. ق):

١. رسالة في النية؛ ٢. رسالة في استقبال القبلة؛ ٣. رسالة في الأواني؛ ٤. رسالة في القبلة؛ ٥. البلغة في عدم عينية صلاة الجمعة؛ ٦. رسالة النيات وصيغ العقود والايقاعات؛ ٧. رسالة في حكم ذبائح أهل الكتاب؛ ٨. رسالة في تنازع الزوجين في متاع البيت.
٧. عبد الله بن خليل (زنده در ١٠٠٦ هـ.ق):
١. شرح فرائض التصبيره؛ ٢. رسالة في الموارث.
٨. علي بن محيي الدين جامعي عاملي (زنده در ١٠٠٨ هـ.ق):
١. رسالة في الميراث.
٩. محمد بن علي موسوي، معروف به عاملي، سيد سند و صاحب مدارك (وفات: ١٠٠٩ هـ.ق):
١. هداية الطالبين (غاية المرام) شرح مختصر النافع؛ ٢. مدارك الأحكام (شرح عبادات الشرائع)؛ ٣. حاشية الألفية.
١٠. ابو محمد علي بن عنایت الله بسطامي، معروف به بايزيد ثاني (زنده در ١٠١١ هـ.ق):
١. معارج التحقيق؛ ٢. اوقات الصلاة؛ ٣. التحفة المرضيه (السلاميه).
١١. جمال الدين حسن بن زين الدين عاملي، معروف به صاحب معالم (وفات: ١٠١١ هـ.ق):
١. معالم الدين؛ ٢. اجوبة مسائل محمد بن جوير المديني؛ ٣. الاثنا عشره؛ ٤. مناسك الحج.
١٢. قاضي نورالله بن شريف حسيني، معروف به مرعشي (وفات: ١٠١٩ هـ.ق):
١. نهاية الاقدام؛ ٢. البحر الغزير في تقدير الماء الكثير؛ ٣. رسالة في تحقيق ما لاتم الصلاة فيه؛ ٤. رسالة في صلاة الجمعة.
١٣. ملا عبد الله بن حسين شوشتری، معروف به فاضل تستري

(وفات : ۱۰۲۱ هـ.ق):

- ۱ . رساله فی صلاة الجمعة (فارسی)؛ ۲ . رساله فی حقیقه الصوم؛
- ۳ . رساله فی وکیل الزوجه؛ ۴ . حاشیه الالفیه؛ ۵ . جامع الفوائد (شرح بر قواعد العلامه)؛ ۶ . الرسائل .

۱۴ . عبدالنبی بن سعد جزائری (وفات : ۱۰۲۱ هـ.ق):

- ۱ . الاقتصاد (شرح ارشاد الاذهان) .

۱۵ . میرفیض الله بن عبدالقاهر حسینی تفرشی (وفات : ۱۰۲۵ هـ.ق):

- ۱ . الانوار القمریه .

۱۶ . میرزامحمدبن علی استرآبادی حسینی (وفات : ۱۰۲۸ هـ.ق):

- ۱ . آیات الاحکام .

۱۷ . ماجدبن هاشم بحرانی (وفات : ۱۰۲۸ هـ.ق):

- ۱ . الیوسفیه .

۱۸ . محمدبن حسن بن زین الدین عاملی ، فرزند صاحب معالم (وفات :

۱۰۳۰ هـ.ق):

- ۱ . رساله فی الارض المفتوحه عنوة؛ ۲ . كشف الرموز الخفیه؛ ۳ . حاشیه علی إثنی عشریه صاحب المعالم .

۱۹ . بهاءالدين محمدبن حسين عاملی ، معروف به شیخ بهائی (وفات :

۱۰۳۰ هـ.ق):

- ۱ . الحبل المتین؛ ۲ . مشرق الشمسین؛ ۳ . الاثنا عشریات؛ ۴ . جامع عباسی (فارسی)؛ ۵ . أجوبة مسائل الشيخ جابر؛ ۶ . أجوبة مسائل الشيخ صالح بن حسن الجزائری؛ ۷ . جواب مسائل شاه عباس (فارسی)؛
- ۸ . المسائل الفقهيہ؛ ۹ . المسائل المدنيات؛ ۱۰ . حاشیه علی قواعد الاحکام؛
- ۱۱ . حاشیه علی ارشاد الاذهان؛ ۱۲ . حاشیه علی القواعد والفوائد؛ ۱۳ . الكريه؛
- ۱۴ . حاشیه علی اثني عشریه صاحب المعالم؛ ۱۵ . رساله مختصره فی فقه

الصلاه؛ ۱۶. رسالة في تحقيق جهة القبلة؛ ۱۷. الحريري؛ ۱۸. رسالة في استحباب السورة في الصلاه؛ ۱۹. رسالة في سجود التلاوة؛ ۲۰. رسالة في صلاة الجمعة؛ ۲۱. رسالة في تخيير بين القصر والاتمام في الاماكن الاربعه؛ ۲۲. مسألة في الصوم؛ ۲۳. رسالة في جواز منع الزوجة نفسها عن الزوج حتى تقبض المهر؛ ۲۴. رسالة في ذبائح اهل الكتاب؛ ۲۵. شرح جواهر الفرائض؛ ۲۶. الفرائض البهائيه؛ ۲۷. رسالة في الموارث؛ ۲۸. رسالة في العدالة.

۲۰. لطف الله بن عبدالكريم ميسى عاملی (وفات: ۱۰۳۳هـ.ق):

۱. الاعتكافيه؛ ۲. الوثائق والمقال = رسالة في فسخ الزوجة الصغيرة نکاح الولی لها بعد كبرها؛ ۳. حاشية جامع المقاصد؛ ۴. حاشية فوائد الشرائع.

۲۱. محمدامين بن محمد شريف، معروف به محدث استرآبادی (وفات:

۱۰۳۶هـ.ق):

۱. رسالة في طهارة الخمر.

۲۲. محمداقربن محمد حسينی استرآبادی، معروف به ميرداماد (وفات:

۱۰۴۰هـ.ق):

۱. الاعضالات العويصات؛ ۲. الاثنا عشرية (عيون المسائل الفقهية)؛ ۳. حاشية

على مختلف الشيعه؛ ۴. حاشية على شرائع الاسلام؛ ۵. حاشية على

التنقيح الرائع؛ ۶. شارع النجات في احكام العبادات؛ ۷. رسالة في الطهارة

والصلاه؛ ۸. التعليقات في الطهارة؛ ۹. حاشية على الالفية؛ ۱۰. رسالة في صلاة

الجمعه؛ ۱۱. اثبات السيادة لمن يتسبب الى هاشم أمًا؛ ۱۲. ضوابط الرضاع؛

۱۳. الرد على ما اعترض به على ضوابط الرضاع؛ ۱۴. رسالة في تنازع

الزوجين في قدر المهر؛ ۱۵. دلائل الاحكام.

۲۳. جوادبن سعدبن علي اسدي (بنابر گفته برخی در سال ۱۰۴۴هـ.ق و

بنابر گفته برخی ديگر در ۱۰۶۵هـ.ق زنده بوده است.):

۱. مسالك الافهام فی شرح آیات الاحکام؛ ۲. الفوائد العلیه.
۲۴. احمد بن زین العابدین علوی عاملی (زنده در ۱۰۴۴ هـ.ق):
 ۱. رساله فی نجاسة الخمر؛ ۲. بیان الحق و تبیان الصدق.
۲۵. مرتضی بن محمد حسینی ساروی (زنده در ۱۰۴۹ هـ.ق):
 ۱. جمعة من مسائل الجمعة.
۲۶. حسین بن حیدر حسینی کرکی (وفات: میانه قرن یازدهم):
 ۱. رساله فی اشتراط صحة الصوم الواجب بالغسل من الجنابة؛ ۲. اصابة الحق.
۲۷. معزالدین محمد بن ابی الحسن موسوی مشهدی (زنده در ۱۰۴۴ هـ.ق):
 ۱. ذخیره الجزاء؛ ۲. جواهر الحقایق؛ ۳. تحفة الرضا؛ ۴. العشرة الكاملة.
۲۸. محمد تقی بن ابوالحسن حسینی استرآبادی (وفات: میانه قرن یازدهم):
 ۱. شرح خطبة الشرائع؛ ۲. مناقشات فقیهیه.
۲۹. مراد بن علی جان تفرشی (وفات: ۱۰۵۱ هـ.ق):
 ۱. الکریه؛ ۲. شرح قطرة البحرين.
۳۰. محمد صادق بن محمد امین حلّی شیرازی (زنده در ۱۰۵۷ هـ.ق):
 ۱. رساله فی استحباب السورة أو وجوبها.
۳۱. علی نقی بن محمد هاشم کمره ای اصفهانی (وفات: ۱۰۶۰ هـ.ق):
 ۱. رساله فی الصلاة فی المغصوب؛ ۲. رساله فی ولاية الأب والجد.
۳۲. شرف الدین علی بن حجة الله شولستانی (زنده در ۱۰۶۳ هـ.ق):
 ۱. رساله فی سرایة النجاسة؛ ۲. الفوائد الغرویه؛ ۳. أفعال الحج (فارسی).
۳۳. عبدالله بن محمد خراسانی تونی (وفات: ۱۰۷۱ هـ.ق):
 ۱. رساله فی نفی الوجوب العینی عن صلاة الجمعة.
۳۴. محمد تقی بن مقصود علی اصفهانی عاملی، معروف به مجلسی اوّل

(وفات: ۱۰۷۰ هـ.ق):

۱. أجوبة المسائل الفقهيه (فارسی)؛ ۲. حديقة المتقين؛ ۳. مناسك حج (فارسی)؛ ۴-۳۴. الرضاعيه.
۳۵. حسن على بن عبدالله شوشتری (وفات: ۱۰۷۵ هـ.ق):
 ۱. التبيان؛ ۲. رسالة في حرمة صلاة الجمعة في زمن الغيبة.
۳۶. محمود بن فتح الله حسنى كاظمى (زنده در ۱۰۷۹ هـ.ق):
 ۱. رسالة في وجوب الخمس حال استتار الإمام.
۳۷. رفيع الدين محمد بن حيدر حسینی طباطبائی نائینی (وفات: ۱۰۸۲ هـ.ق):
 ۱. أجوبة المسائل الفقهيه (فارسی)؛ ۲. حاشية على مختلف الشيعه؛ ۳. حاشية على مدارك الأحكام.
۳۸. محمد بن قاسم اصفهانی (وفات: ۱۰۸۴ هـ.ق):
 ۱. حاشية روضة البهيه؛ ۲. رساله ای درباره نماز جمعه.
۳۹. فخرالدين بن محمد علی طریحی نجفی (وفات: ۱۰۸۷ هـ.ق):
 ۱. الفخریه؛ ۲. الضياء اللامع.
۴۰. خليل بن غازى قزوینی (وفات: ۱۰۸۸ هـ.ق):
 ۱. رسالة في حرمة صلاة الجمعة (فارسی).
۴۱. محمدباقر بن محمد مؤمن، معروف به محقق سبزواری (وفات: ۱۰۹۰ هـ.ق):
 ۱. ذخيرة المعاد (شرح إرشاد علامه)؛ ۲. كفاية الأحكام؛ ۳. حاشية على مسالك الأفهام؛ ۴. رسالة في تحديد النهار الشرعي؛ ۵. رسالة في صلاة الجمعة؛ ۶. رساله ای درباره نماز جمعه؛ ۷. رسالة في الغناء؛ ۸. رسالة أخرى في الغناء؛ ۹. الخلافيه (فارسی).
۴۲. محمد محسن بن شاه مرتضى فرزند شاه محمود، معروف به فيض كاشانی (وفات: ۱۰۹۱ هـ.ق):
 ۱. مفاتيح الشرايع؛ ۲. معتصم الشيعه؛ ۳. النخبه؛ ۴. أجوبة المسائل

الفقيهيه؛ ٥. أحكام الأموات؛ ٦. أبواب الجنان (فارسي)؛ ٧. الشهاب الشاقب؛ ٨. ضوابط الخمس؛ ٩. رسالة فى حكم أخذ الأجرة على الواجبات؛ ١٠. رسالة فى الولاية على البكر فى التزويج؛ ١١. منهاج النجاه (فى اصول العقائد)

٤٣. محمد سعيد بن قاسم طباطبايى حسيني قهبايى (وفات: ١٠٩٢هـ. ق.):

١. روض الجنان؛ ٢. حاشية زبدة البيان.

٤٤. حسام الدين بن جمال الدين طريحي نجفى (زنده در ١٠٩٤هـ. ق.):

١. التبصرة الجليه.

٤٥. رضى الدين محمد بن حسن قزويني (وفات: ١٠٩٦هـ. ق.):

١. مسألة فى إيصال القبار الغليظ.

٤٦. احمد بن محمد تونى (زنده در ١٠٩٧هـ. ق.):

١. حاشية الروضة البهيه.

٤٧. محمد طاهر بن حسين قمى (وفات: ١٠٩٨هـ. ق.):

١. السلاميه؛ ٢. جاء الحق (فارسي)؛ ٣. رسالة فى صلاة الجمعة

(فارسي)؛ ٤. تحفة الدارين.

٤٨. آقا حسين بن محمد بن حسين، معروف به محقق خوانسارى (وفات:

١٠٩٨هـ. ق.):

١. مشارق الشمسوس؛ ٢. أجوبة المسائل؛ ٣. رسالة فى الخمس (فارسي)؛

٤. حل الشك فى كون بعض أهل البلد كافراً وأكثرهم مسلمون.

٤٩. محمد بن حسن، معروف به ملا ميرزا شيروانى (وفات: ١٠٩٨هـ. ق.):

١. أجوبة المسائل الفقيهيه (فارسي)؛ ٢. رسالة فى الحبوه (فارسي)؛

٣. رسالة فى الصيد والذباحه (فارسي)؛ ٤. شكوك الصلاة (فارسي)؛

٥. رسالة فى أحكام الأموات؛ ٦. حاشية على قواعد العلامه؛ ٧. حاشية

على الشرائع.

۵۰. صفی الدین بن فخرالدین طریحی (زنده در ۱۱۰۰ هـ.ق):

۱. الینبوع المنبجس فی الرد من قال أن المنجس لاینجس.

۵۱. علی بن محمد عاملی، نوه شهید (وفات: ۱۱۰۳ هـ.ق):

۱. الزهرات الزویة؛ ۲. الرد علی اعتراضات خلیفة السلطان علی الروضة

البهية؛ ۳. تنبيه الغافلین؛ ۴. رسالة فی التذر؛ ۵. حاشية الشرايع؛

۶. حاشية الألفية؛ ۷. شرح تمهید القواعد.

۵۲. محمد بن حسن بن علی، معروف به حرّ عاملی (وفات: ۱۱۰۴ هـ.ق):

۱. بداية الهدایه؛ ۲. هداية الأمه؛ ۳. خلاصة الأبحاث؛ ۴. رسالة فی

حرمة شرب التتن والقهوه؛ ۵. رسالة فی أن التصرف والید دلیل المملکيه؛

۶. ارجوزة فی الزکاه؛ ۷. رسالة فی صلاة الجمعة.

۵۳. مولی محمد باقر بن مولی محمد تقی، معروف به مجلسی دوم

(وفات: ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱ هـ.ق):

۱. أجوبة مسائل المولى مجدالدین التستری؛ ۲. أیادی سبأ؛ ۳. جواب

مسائل خراسان (فارسی)؛ ۴. جواب مسائل میرزا سید علی (فارسی)؛

۵. هداية الاخوان (فارسی)؛ ۶. مجموعه سؤال و جواب (فارسی)؛ ۷. مجموعه

سؤال و جواب (مجموعه فارسی دیگر)؛ ۸. المسائل الهندیه؛ ۹. نظم

الثالثی (فارسی)؛ ۱۰. سؤال و جواب فقهی (فارسی)؛ ۱۱. رسائل متعددة

فی موضوعات مختلفه؛ ۱۲. رسالة فی صلاة الجمعة.

۵۴. سید نعمت الله بن عبد الله بن حسین موسوی، معروف به محدث

جزایری (وفات: ۱۱۱۲ هـ.ق):

۱. هدية المؤمنین؛ ۲. مسکن الشجون فی حکم الفرار من الوباء والطاعون.

۵۵. محمد بن ابراهیم حسینی، معروف به سید ماجد البحرانی (وفات:

نخست قرن ۱۲):

۱. إيقاظ النائمين.

۵۶. قاضی جعفر بن عبدالله حویزی (وفات: ۱۱۱۵ هـ. ق):
۱. رسالة فی الوصیة بالنکاح.
۵۷. نورالدین محمد هادی بن مرتضی کاشانی (زنده در ۱۱۱۶ هـ. ق):
۱. فقه المیراث؛ ۲. حاشیة مفاتیح الشرایع.
۵۸. سلیمان بن عبدالله بن علی ماحوزی بحرانی، معروف به شیخ سلیمان بحرانی (وفات: ۱۱۲۱ هـ. ق):
۱. السؤال والجواب؛ ۲. الفتاوی السلیمانیه؛ ۳. حاشیة إرشاد الأذهان؛
۴. تحقیق مسألة التباعد بین البشر والبالوعه؛ ۵. فصل الخطاب فی نجاسة أهل الكتاب والنصاب؛ ۶. الفوائد السریه؛ ۷. رسالة فی تحلیل التستن والقهوه؛ ۸. واجبات الصلاة؛ ۹. رسالة فی أوقات الصلاة؛ ۱۰. رسالة فی أفضلیة التسیب علی القراءة فی الركعتین الأخیرتین؛ ۱۱. رسالة فی کیفیة التسیب فی الأخیرتین.
۵۹. محمد بن عبدالفتاح تنکابنی (وفات: ۱۱۲۴ هـ. ق):
۱. رسالة فی فصول الأذان والإقامة؛ ۲. رساله ای درباره نماز جمعه؛ ۳. حاشیة علی رسالة التونی؛ ۴. حاشیة زبدة البیان؛ ۵. رسالة رؤیة الهلال قبل الزوال؛ ۶. رساله ای درباره نذر به صدقه دادن.
۶۰. محمد بن حسین بن محمد، معروف به جمال الدین خوانساری (وفات: ۱۱۲۵ هـ. ق):
۱. حاشیة الروضة البهیة؛ ۲. رسالة فی صلاة الجمعة (فارسی)؛ ۳. رسالة فی مال الناصبی؛ ۴. رسالة فی النذر.
۶۱. محمد صالح بن عبدالواسع حسینی خاتون آبادی (وفات: ۱۱۲۶ هـ. ق):
۱. الآداب السنیة؛ ۲. التهلیلیه؛ ۳. رسالة فی أنه هل یعتبر حکم الحاكم بثبوت الهلال.
۶۲. محمد جعفر بن محمد باقر شریف سبزواری (زنده در ۱۱۲۷ هـ. ق):

- ١ . رسالة فى التكبيرات السبع ؛ ٢ . رسالة فى حكم رؤية الهلال قبل الزوال ؛
 ٤ . حاشية الألفيه .
- ٦٣ . عبدالله بن كرم حويزى (زنده در ١١٣٢ هـ . ق) :
 ١ . كتاب الصلاة .
- ٦٤ . احمد بن ابراهيم بحراني ، پدر شيخ يوسف بحراني (وفات : ١١٣١ هـ . ق) :
 ١ . أجوبة مسائل السيد يحيى بن سيد حسين الإحسائي ؛ ٢ . أجوبة مسائل
 الشيخ عبدالامام الإحسائي ؛ ٣ . أجوبة مسائل الشيخ على بن لطف الله
 البحراني ؛ ٤ . أجوبة مسائل الشيخ نصير بن محمد خطى الجارودى ؛
 ٥ . تعليق على مبحث الزوال ؛ ٦ . رسالة فى تحقيق غسالة النجاسه ؛
 ٧ . رسالة فى حكم ملاقي المنتجس ؛ ٨ . المسائل الخمسه ؛ ٩ . رسالة فى
 جواز العدول عن كل سورة عدا الجحد والتوحيد ؛ ١٠ . رسالة فى تحقيق
 مسألة الصلح على المجهول ؛ ١١ . رسالة فى تملك المهر أجمع بمجرد
 العقد ؛ ١٢ . رسالة فى الدعوى على الميت ؛ ١٣ . رسالة فى أن الطلقة
 والطلقتين هل تبقى بالتحليل أو تنعدم ؟ .
- ٦٥ . محمد هادى بن محمد صالح مازندراني (وفات : پيرامون ١١٣٤ هـ . ق) :
 ١ . رسالة فى الأذان والإقامة ؛ ٢ . رسالة فى تعيين غرة رمضان فى ما إذا
 غمّت شهور السنة كلها ؛ ٣ . رسالة فى معرفة أحكام الرضاع ؛ ٤ . رسالة فى
 الإرث .
- ٦٦ . عبدالله بن صالح سماهيجى بحراني (وفات : ١١٣٥ هـ . ق) :
 ١ . أجوبة مسائل السيد عبدالله بن سيد علوي ؛ ٢ . أجوبة مسائل الشيخ
 سليمان ؛ ٣ . الفاكهة الكاظميه ؛ ٤ . حل العقود ؛ ٥ . هداية المسائل ؛ ٦ . اللعة
 الجليلة فى تحقيق المسائل الاسماعيلية ؛ ٧ . المسائل البيهانيه ؛ ٨ . المسائل
 الحسينيه ؛ ٩ . المسائل المحمديه ؛ ١٠ . المسائل الناصريه ؛ ١١ . التفحة
 العنبرية فى أجوبة المسائل التستريه ؛ ١٢ . الرسالة الفهليانيه ؛ ١٣ . مسألة

الشیخ عبدالله بن الشیخ فرج . ۱۴ . القامعة للبدعة فی ترک صلاة الجمعة .
۶۷ . حیدر علی بن ملا میرزای شیروانی (گفته شده که در سال ۱۱۲۴ هـ . ق
زنده بوده است) :

۱ . رساله فی وجوب الصلاة علی النبی (ص) ؛ ۲ . رساله فی الخلل فی
الصلاه ؛ ۳ . رساله فی حد المسافة الموجبة للقصر والافطار ؛ ۴ . تحفة
السرائر ؛ ۵ . رساله فی حرمة المشاهد المشرفة ؛ ۶ . رساله فی وجوب قتل
ساب النبی (ص) .

۶۸ . محمد بن حسن بن محمد اصبهانی ، معروف به فاضل هندی ،
کاشف اللثام اصفهانی (وفات : ۱۱۳۷ هـ . ق) :

۱ . کشف اللثام ؛ ۲ . المناهج السویه ؛ ۳ . حاشیه إرشاد الأذهان ؛ ۴ . الاحتیاطات
الفقیهیه ؛ ۵ . رساله فی صلاة الجمعة ؛ ۶ . الزهرة فی مناسک الحج والعمرة .

۶۹ . ملاّ ابوالحسن بن محمد طاهر شریف فتونی ، جدّ صاحب جواهر و
معروف به ابوالحسن شریف عاملی (وفات : ۱۱۳۸ یا ۱۱۲۹ هـ . ق) :

۱ . رساله فی الرضاع ؛ ۲ . شرح مفاتیح الشرایع .

۷۰ . محمد بن علی بن حیدر موسوی عاملی (وفات : ۱۱۳۹ هـ . ق) :

۱ . مسائل سألها الشیخ یوسف البحرانی من الآخوند رفیعا ... ؛ ۲ . إظهار ما
عندی بمنسک الفاضل الهندی ؛ ۳ . ایناس سلطان المؤمنین ؛ ۴ . آیات
الأحكام .

۷۱ . بهاء الدین محمد بن محمد باقر مختاری نائینی (وفات : پیرامون

۱۱۴۰ هـ . ق) :

۱ . القول الفصل فی المسح والغسل ؛ ۲ . القبالة القبلیة (فی بیان استقبال
المیت وتوجیبهه إلى القبلة) ؛ ۳ . حسان الیواقیت ؛ ۴ . رساله فی استحباب
التسلیم علی النبی فی التشهد الأخير ؛ ۵ . مقالید القصود ؛ ۶ . العین فی
تعارض حقی المتبايعین ؛ ۷ . رساله ای درباره نکاح ؛ ۸ . عمدة الناظر فی

عقدة الناذر (رسالة فى بطلان النذر المعلق بما بعد الموت)؛ ٩ . إنارة الطروس؛ ١٠ . رساله ای درباره ارث؛ ١١ . تقويم الميراث؛ ١٢ . مسألة فى وجوب التكفين فى ثلاثة أثواب؛ ١٣ . هداية الصراط فى حرمة الجمع بين الظهر والجمعه .

٧٢ . محمد ابراهيم بن محمد معصوم حسینی قزوینی (وفات: ١١٤٩ هـ.ق):

١ . رسالة فى الفرق بين الكبائر والصغائر؛ ٢ . حاشية الروضة البهيه؛ ٣ . حاشية زبدة البيان؛ ٤ . حاشية مدارك الاحكام .

٧٣ . صدرالدين محمد بن محمد بن على رضوى كاشانى (وفات: ميانه قرن ١٢ هـ.ق):

١ . منتهى المرام فى القصر والاتمام .

٧٤ . محمد بن عبدالکريم طباطبائى بروجردى (وفات: ميانه قرن ١٢ هـ.ق):

١ . رسالة فى معرفة احكام الرضاع .

٧٥ . سيدنصرالله بن حسين موسى حائرى (وفات: ميانه قرن ١٢ هـ.ق):

١ . رسالة فى حرمة شرب التتن و الحشيش .

٧٦ . عبدالنبى بن احمد بحراني (زنده در ١١٥٠ هـ.ق):

١ . رسالة فى الرضاع .

٧٧ . محمد رفيع بن فرج گيلانى (زنده در ١١٥٠ هـ.ق):

١ . حاشية الروضة البهيه؛ ٢ . حاشية زبدة البيان؛ ٣ . رسالة فى صلاة الجمعة؛ ٤ . رسالة فى صلاة الجمعة (رسالة اخرى) .

٧٨ . صدرالدين محمد بن محمد باقر رضوى همدانى (زنده در ١١٥١ هـ.ق):

١ . استقصاء النظر؛ ٢ . رسالة فى عدم انفعال الماء القليل .

٧٩ . احمد بن اسماعيل نجفى جزائرى ، معروف به محقق جزائرى (وفات:

١١٥١ هـ.ق):

١ . قلائد الدرر؛ ٢ . تبصرة المبتدئين .

٨٠ . صدرالدين محمد بن نصير طباطبائى يزدى (وفات: ١١٥٤ هـ.ق):

۱. رساله فی صلاة الجمعة؛ ۲. عدة المسافرين؛ ۳. الفرائض؛ ۴. اشارات الفقه.
۸۱. زين العابدين بن محمد يوسف حسینی لاریجانی (زنده در ۱۱۶۸ هـ.ق):
 ۱. كشف المطلوب فی بطلان الصلاة فی المكان المغصوب.
 ۸۲. محمد بن علی بن عبد النبي مقابی بحرانی (زنده در ۱۱۶۹ هـ.ق):
 ۱. مجمع الأحكام؛ ۲. رسالة في الجهر والإخفات.
 ۸۳. عبدالرشید بن نورالدین شوشتری (وفات: قرن ۱۲ هـ.ق):
 ۱. المسائل الاخباریه.
 ۸۴. محمد بن محمد زمان کاشانی (زنده در ۱۱۷۲ هـ.ق):
 ۱. قبله اثنا عشری؛ ۲. نور الهدی (رسالة في أن الزكاة بعد إخراج المؤونه)؛
 ۳. الحق الصراح فی ما لا بد منه فی ایجاب النکاح؛ ۴. رسالة في صیغ النکاح.
 ۸۵. عبدالله بن نورالدین جزائری (وفات: ۱۱۷۳ هـ.ق):
 ۱. الأنوار الجلیة فی جوابات المسائل الجلیة الاولى؛ ۲. الذخيرة الأبدية فی أجوبة المسائل الأحمديه؛ ۳. الذخيرة الباقية فی أجوبة المسائل الجلیة الثانية؛ ۴. المقاصد العلیة فی أجوبة المسائل العلویه؛ ۵. الذخر الرائع؛ ۶. التحفة السنيه.
 ۸۶. محمد اسماعیل بن محمد حسین خواجهی مازندرانی (وفات: ۱۱۷۳ هـ.ق)
 ۱. أجوبة المسائل؛ ۲. الرسائل؛ ۳. رسالة فی تحديد الكر؛ ۴. رسالة فی حکم الغسل قبل الاستبراء؛ ۵. رسالة فی حکم الحدث الأصغر المتخلل أثناء الغسل؛ ۶. مسألة فی وظيفة رجل احتاج إلى الغسل فی الأرض الباردة؛ ۷. رسالة فی عدم جواز التکفین فی ما لا يجوز الصلاة فيه والجلود؛ ۸. رسالة فی حکم الاسراج عند المیت؛ ۹. رسالة فی أصالة عدم التذکية فی الجلد المشتري من الکفار أو من لا یوثق به؛ ۱۰. الحریریة؛ ۱۱. الذهبیه؛

١٢. رسالة في اللباس المشكوك؛ ١٣. رسالة في الصلاة في ثوب معه فضلة ما لا يؤكل لحمه؛ ١٤. تذكرة الوداد؛ ١٥. رسالة في كيفية الأذان والشهد؛ ١٦. رسالة في الخمس؛ ١٧. رسالة في أفضلية التسبيح في الأخيرتين؛ ١٨. رسالة في صلاة الجمعة؛ ١٩. رسالة في استثناء المؤونة من الزكاة؛ ٢٠. مسألة في الحج البلدي؛ ٢١. رسالة في أقل ما بين العمرتين؛ ٢٢. رسالة في حقيقة الناصب وأحكامه؛ ٢٣. رسالة في العقد الفضولي؛ ٢٤. رسالة في تحريم الغناء؛ ٢٥. رسالة في النظر إلى وجه الأجنبية؛ ٢٦. رسالة في عدم جواز تزويج المؤمنة بالمخالف؛ ٢٧. الرضاعية؛ ٢٨. رسالة في جواز حمل الزوجة المنقطعة من بلد إلى آخر؛ ٢٩. فائدة في طلاق الولي؛ ٣٠. رسالة في الفرق بين الطلاق الرجعي والباتن؛ ٣١. رسالة في جواز التداوى بالخمير؛ ٣٢. الفصول الخمسة في الشفعة؛ ٣٣. رسالة في الحبوة؛ ٣٤. رسالة في إرث الزوجة؛ ٣٥. رسالة في جواز مقاصدة المنكر لو حلف؛ ٣٦. رسالة في العدالة؛ ٣٧. حاشية مدارك الأحكام؛ ٣٨. رسالة في الصلاة والإفطار بأذان الجمهور.

٨٧. شبر بن محمد موسوى نجفى (زنده در ١١٧٩ هـ. ق):

١. رسالة في وجوب غسل الجمعة؛ ٢. رسالة في القصر والاتمام؛ ٣. رسالة في حكم الارتماس في الصوم.

٨٨. محمد مهدي بن محمد صالح فتونى عاملى (وفات: ١١٨٣ هـ. ق):

١. نتائج الأخبار.

٨٩. يوسف بن احمد بن ابراهيم بحراني، معروف به صاحب حدائق و

بحراني يا محدث بحراني (وفات: ١١٨٦ هـ. ق):

١. الحدائق الناضرة؛ ٢. أجوبة المسائل الفقهية؛ ٣. أجوبة المسائل

الثلاث؛ ٤. أجوبة المسائل؛ ٥. الأنوار الحيرية؛ ٦. الدرر النجفية؛

٧. اللثالي الزواهر؛ ٨. المسائل البهبهانية؛ ٩. تدارك المدارك؛ ١٠. قاطعة

القال والقیل فی انفعال الماء القلیل؛ ۱۱. رساله فی الصلاه؛ ۱۲. رساله
أخری فی الصلاه؛ ۱۳. شرح رساله الصلاه؛ ۱۴. رساله فی صلاه الجمعہ؛
۱۵. رساله فی الشركه؛ ۱۶. رساله فی حرمة الام بالعقد علی البنت؛
۱۷. الصوارم القاصمه لظهور الجامعین من ولد فاطمه؛ ۱۸. كشف القناع
(در ردّ ضوابط الرضاع میرداماد)؛ ۱۹. الرساله المحمديه؛ ۲۰. رساله فی
العداله.

۹۰. حسین بن ابی القاسم موسوی خوانساری (وفات: ۱۱۹۱ هـ. ق):

۱. شرح عبارة مشکلة فی مبحث صلاه المیت؛ ۲. شرح عبارة مشکلة فی
مبحث صلاه الخوف؛ ۳. رساله فی تنجیس ملاقی المتنجس.

۹۱. محمد بن احمد بحرانی (وفات: پایانه قرن ۱۲ هـ. ق):

۱. رساله فی وجوب الجهر بالتسیحات.

۱. محدوده زمانی این دوران: پنجمین دوران از دورانهای تحوّل اجتهاد در
فقه شیعه، از نیمه دوم قرن دوازدهم هجری آغاز شد و با ظهور مکتب شیخ
انصاری در نیمه دوم قرن سیزدهم به سرآمد.

در این دوران، سه نسل از فقیهان اصولی و گروهی از فقیهان بزرگ
اخباری، که رفته رفته از گرایش های افراطی خود برگشتند و به نظریات و مبانی
اصولی ها نزدیک شدند.

۲. ویژگی های این دوران: با توجه به اینکه افراط و تفریط برای پسندیده
نیست، زیرا خداوند سبحان، فطرت انسان را بر پایه اعتدال و میانه روی در
فکر و روش زندگی بیافرید، چنان که در قرآن فرموده است:

«ونفس وماسواها»؛ ۱

قسم به روح بشر و آن که این روح را معتدل و میانه آفرید.

«یا ایها الإنسان ما غرک بربک الکریم الذی خلقک فسواک فعدلک»؛^۲

ای انسان! چه چیز غرور تو را به پروردگار بزرگوارت برانگیخته، همان کس که تو را آفرید و اندام تو را درست کرد و آن گاه تو را سامان بخشید و معتدل و میانه ساخت.

سرشت فردی و اجتماعی انسان هیچ گونه تندروی را برنمی‌تابد، زیرا گرایش برخلاف طبیعت و سرشت انسان دوام ندارد.

خداوند متعال، انسان را اندیشه ور و عقل‌گرای در عرصه‌های مختلف سرشته است. آیات و روایات فراوانی بر بلند بودن جایگاه عقل در داوری‌ها و استدلال‌ها، دلالت می‌کند که حجت میان خداوند و بندگان و رسول درونی، عقل است و فرمان‌برداری و پرستش انسان، باید عاقلانه باشد و... هرچند افزون بر این، آیات و روایات فراوانی بر ضرورت انقیاد انسان در برابر احکام شرع و خضوع او در برابر منطوق رسا و قوی عالم غیب و پذیرش آن دلالت می‌کند.

نقش فطری عقل بنابر کتاب و سنت^۳: فهم، و پذیرفتن و اجرای شریعت است که هیچ مکتب کلامی فلسفی، فقهی، تربیتی و اجتماعی را یارای سرپیچی از آن نیست. تندروی در مکتب فقهی شیعه نیز ناپایدار بود، زیرا این مکتب به پشتوانه پایه‌های استوار عقلانی‌اش، از دیگر مذهب‌های اسلامی جدا می‌نماید.

مکتب فقهی شیعه، پس از کشمکش دو گروه تندرو که نزدیک دو قرن به

افراط برخی از فقیهان اصولی در عقل‌گرایی، به واکنش و افراط گروهی دیگر در پذیرش خبر واحد، تنگ کردن دایره عقل و یا در برخی موارد، بستن راه عقل در استنباط انجامید. از آن پس، ایشان با پدید آمدن اندک شبهه و ابهامی روایات را به دور نمی‌افکندند و در تشخیص وثاقت روایان احادیث و پذیرفتن روایات نابرابر با عقل متعارف، سهل‌انگاری می‌کردند. همچنین در گردآوری روایات مجموعه‌های حدیثی گوناگون بسیار کوشیدند و بر تقسیم‌بندی احادیث به قوی و ضعیف خرده گرفتند، چنان که برخی از فقیهان، اعتماد به همه احادیث کتب اربعه شیعه (کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار) را ضروری شمردند.

طول انجامید، به اعتدال و میانه روی خود بازگشت.

موارد برشمرده شده در زیر، از سبب های پایان دهنده این کشمکش

است:

۱. خرده گرفتن گروهی از فقیهان پرهیزگار و آزاداندیش اخباری بر اخباری گری افراطی؛ اینان گروه اخباری گران میانه رو را گرد آوردند و پس از فرورفتن حوزه های شیعه در موج اخباری گری افراطی، و نقدهای قوی و پیاپی اصولیان بر اخباریان و اخباری گری افراطی، حوزه های علمیه به سوی اعتدال و میانه روی حرکت کرد.

۲. خرده گرفتن اخباریان بر اصولیان؛ آن گاه اصولیان، با جدیت بسیار بدانان پاسخ گفتند و از بنیان ها و قوانین اصولی دفاع کردند. نه تنها در این دوران پر التهاب، شعله تفکر اصولی خاموش نشد که با استدلال ها و پذیره های جدید مکتب وحید بهبهانی برافروخته تر شد.

۳. حضور دو سردمدار اخباری و اصولی در شهر کربلا (محدث بحرانی و وحید بهبهانی)؛ گفت و گوها و مناظره های پی گیر علمی و آزاداندیشانه این دو بزرگوار، تأثیر بسیاری در رسیدن به حقیقت های علمی گذاشت، بویژه آن که وحید بهبهانی در بیان، تنظیم و توضیح این حقایق علمی برای افکار عمومی فضلا و طلاب علوم دینی آن روز در حوزه علمیه بزرگ کربلا، بسیار توانا بود. این گونه اخباری گری، در اوج قدرت و در دومین دوره گسترش خود، یعنی دوران محدث بحرانی (صاحب کتاب الحقائق الناصره) فروکش کرد.

۴. استمرار و پویایی مکتب وحید بهبهانی و تلاش بی وقفه و حساب شده علمی او؛ وی با تربیت و بهره گیری از کوشش فقیهانی سرآمد در علم و عمل و اخلاص، به خرده گیری های اخباریان بر اصولیان پاسخ گفت. سرانجام همزمان با آغاز کوشش های علمی مکتب شیخ انصاری، گرایش به اخباری گری در همه حوزه های علمی شیعه به سر آمد.

۵. بنا بر گفته برخی از مورخان: تأثیر فلسفه در تفکر اصولی این برهه؛ و گرایش فوق العاده به اصول علی رغم قدرت فراوان اخباریان، اصول فقه را پایدار نگه داشته بلکه علم اصول به پویایی و نوآوری بیشتری رسید.

خوانساری بزرگ و معاصرش، شیروانی و پسرش، جمال الدین و شاگرد جمال الدین، صدرالدین را می توان از برانگیزندگان بالیدن تفکر اصولی دانست، زیرا با بحث ها و تحقیقات خود زمینه ظهور مکتب محقق بهبهانی و دوران جدید فقه شیعه را آماده کردند.^۴

۶. با گرد آمدن مجموعه های روایی بزرگ در دوره پیشین که فقیهان را بر استقرار تام و بازشماری کامل نصوص یاری می کرد، اصولیان قوانین اصولی را در جایگاه شایسته خود توانستند به کار برند، چنان که دست رنج کوشش اخباریان در گردآوری این مجموعه ها، به سود اجتهاد پذیرفته شده اصولیان گردید.

مجتهدان پس از برآورده شدن نیازشان به احادیث با به کارگیری عقل و تفکر، از این مجموعه ها بهره گرفتند.

تلاش های وحید بهبهانی در پایانه قرن دوازدهم، مکتب فقهی جدیدی را در تشیع سبب شده که هم به عقل و هم نقل، بی هیچ گونه افراطی توجه می کرد، چنان که امارات کاشف از حکم شرعی و اصول عملیه، عقل قطعی و امارات ظنی و هر کدام از انواع اصول عملیه را در جایگاه مناسب خود قرار می داد. دوباره نگری اصولیان به مبانی و پایه های علم اصول، پی آمد شبهاتی می نمود که اخباریان بر ضد عقل و قوانین علم اصول پیش انداخته بودند.

علم اصول، با آثار به جا مانده از بیش از پنجاه سال بالیدن مکتب وحید بهبهانی، دوباره متولد شد. نسل اول شاگردان مکتب وحید، گروهی از محققان بزرگ بودند، مانند: سید مهدی بحر العلوم (وفات: ۱۲۱۲ هـ.ق)، شیخ جعفر کاشف الغطا (۱۲۲۷ هـ.ق)، محقق قمی (۱۲۳۲ هـ.ق)، صاحب

ریاض (۱۲۳۱ هـ.ق) و صاحب مقابس (۱۲۳۴ هـ.ق).
پرورش یافتگان و برخاستگان از پی این نسل را صاحب مناهل (۱۲۴۲ هـ.ق)،
ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ هـ.ق) و شریف العلماء (۱۲۴۵ هـ.ق) و صاحب
جواهر (۱۲۶۶ هـ.ق) می توان برشمرد.
کتاب های اصولی بسیاری در این دوران نوشته شد: القوانین المحکمه در
دو جلد بزرگ و الفصول الغرویه و الحاشیه علی معالم الاصول و بسیاری از
آثار اصولی دیگر.

۳- نام فقیهان این دوره و نوشته های فقهی آنان:

۱. محمدباقر بن محمداکمل، معروف به آغاوحید بهبهانی و محقق
بهبهانی (وفات: ۱۲۰۵ یا ۱۲۰۶ هـ.ق):

۱. مصابیح الظلام، شرح مفاتیح الشرایع؛ ۲. أجوبة المسائل (فارسی)؛
۳. سؤال و جواب (فارسی)؛ ۴. حاشیه ذکری الشیعه؛ ۵. حاشیه المختصر
النافع؛ ۶. حاشیه مسالك الافهام؛ ۷. حاشیه مجمع الفائدة والبرهان؛
۸. تحقیق فی القیاس؛ ۹. الجمع بین الاخبار المتعارضه؛ ۱۰. حواشی
مفاتیح الشرایع؛ ۱۱. شرح دیباجة مفاتیح الشرایع؛ ۱۲. رساله فی بطلان
عبادة الجاهل؛ ۱۳. رساله فی المتعه؛ ۱۴. الافادة الاجمالية فی العبادات
المکروهه؛ ۱۵. رساله فی أن الأصل فی الأشياء الطهاره؛ ۱۶. رساله فی
کیفیه وجوب الطهاره؛ ۱۷. رساله فی حکم عصیری التمر والزبيب؛
۱۸. رساله فی صلاة الجمعة؛ ۱۹. رساله فی عدم الاعتداد بالرؤية قبل
الزوال؛ ۲۰. رساله فی أن إنکار أصول المذهب لا یوجب الکفر؛ ۲۱. رساله
فی أن الأصل فی المعاملات الصحة؛ ۲۲. رساله فی بطلان القرض بشرط
المعاملة المحاباته؛ ۲۳. رساله فی جواز الجمع بین الفاطمیتین؛ ۲۴. رساله فی
بطلان العقد علی الصغیره لأجل المحرمیه.

٢. سيد حسين بن محمد ابراهيم حسيني قزوینی (وفات: ١٢٠٨ هـ. ق):
 ١. رسالة في حكم النيش؛ ٢. رسالة في حكم الهوام والسوام والحشرات؛
 ٣. رسالة في تنجيس المتنجس؛ ٤. رسالة في حكم العبادة في المكان المغصوب؛ ٥. رسالة في حل حديث ورد في الصوت الحسن؛ ٦. مختار المذهب في ما يصحبه الانسان من الذهب؛ ٧. غاية الاختيار في أحكام مناكحة الكفار؛ ٨. رسالة في حكم نكاح الصغيرة لغرض محرمة أمها؛
 ٩. رسالة في حكم موت الولد في بطن أمه؛ ١٠. معارج الأحكام؛ ١١. مستقصى الاجتهاد؛ ١٢. حاشية الروضة البهية.
٣. محمد مهدي بن ابوذر نراقی كاشانی (وفات: ١٢٠٩ هـ. ق):
 ١. لوامع الأحكام؛ ٢. معتمد الشيعة.
٤. سيد محمد مهدي بن مرتضى طباطبائي، معروف به بحر العلوم (وفات: ١٢١٢ هـ. ق):
 ١. الدررة (فقه منظوم)؛ ٢. المصاييح؛ ٣. مبلغ النظر؛ ٤. العجالة الموجزة في فروع الناسك؛ ٥. رسالة في حكم الفرار من الطاعون؛ ٦. رسالة في تحريم العصير العنبي والزبيبي.
٥. محمد مهدي بن ابوالقاسم موسى شهرستاني (وفات: ١٢١٦ هـ. ق):
 ١. المصاييح.
٦. عبد الصمد همداني (وفات: ١٢١٦ هـ. ق):
 ١. رسالة في الغناء؛ ٢. حاشية المختصر النافع؛ ٣. بحر الحقائق.
٧. محمد علي بن محمد باقر بهبهانی کرمانشاهی (وفات: ١٢١٦ هـ. ق):
 ١. الفذالك؛ ٢. فتاح المعجم؛ ٣. المسائل التي اشتهرت بين المتأخرين على خلاف مقتضى الأدلة القوية استناداً إلى بعض الأصول والأخبار الضعيفة العامية؛ ٤. مقام الفضل (فارسي)؛ ٥. حاشية الروضة البهية؛ ٦. قطع المقال في نصرة القول بالانفعال؛ ٧. رسالة في المثونة المستثناة من الزكاة؛

٨. مصرف رد المظالم (فارسي)؛ ٩. دليل الناسك؛ ١٠. كتاب الاجارة؛
 ١١. صيغ النكاح؛ ١٢. منع المنع من الجمع بين فاطميتين؛ ١٣. مظهر
 المختار في حكم النكاح مع الاعسار.
٨. حسين بن محمد آل عصفور بحراني (وفات: ١٢١٦ هـ. ق):
 ١. سداد العباد ورشاد العباد؛ ٢. رواشح العناية الربانية؛ ٣. الأنوار
 اللامعة؛ ٤. السوانح النظرية؛ ٥. الفتاوى الحسينية؛ ٦. النفحة القدسية؛
 ٧. برهان الاشراف في منع بيع الأوقاف.
٩. محمدمهدى بن هدايت الله حسيني مشهدي (وفات: ١٢١٨ هـ. ق):
 ١. رسالة في الموسعة؛ ٢. رسالة في جواز الحيل الشرعية؛ ٣. رسالة في ولاية
 الأب على النكاح؛ ٤. نبراس الهداية؛ ٥. شرح عبارة في مبحث الاواني من
 منتهى المطلب.
١٠. (محمد) جواد بن محمد حسيني عاملي (وفات: ١٢٢٦ هـ. ق):
 ١. مفتاح الكرامة (شرح على قواعد العلامة).
١١. محسن بن حسن اعرجي كاظمي (وفات: ١٢٢٧ هـ. ق):
 ١. الجامع الكبير؛ ٢. وسائل الشيعة؛ ٣. حاشية على كفاية السبزواري؛
 ٤. رسالة في صلاة الجمعة؛ ٥. شرح مقدمة الحدائق.
١٢. جعفر بن خضر مالكي نجفي، معروف به شيخ جعفر كاشف الغطاء
 (وفات: ١٢٢٨ هـ. ق):
 ١. كشف الغطاء؛ ٢. بغية الطالب؛ ٣. القواعد الشرعية؛ ٤. رسالة في
 العبادات المالية؛ ٥. كشف الالتباس بين الحيض والاستحاضة والنفاس؛
 ٦. أحكام الجنائز؛ ٧. رسالة في الصيام؛ ٨. غاية المراد في أحكام الجهاد؛
 ٩. شرح القواعد؛ ١٠. رسالة في المنع من شهادة بالولاية في الأذان.
١٣. علي بن محمد بن ابوالمعالي حائري، معروف به صاحب رياض و
 طباطبائي (وفات: ١٢٣١ هـ. ق):

١. حدیقة المؤمنین؛ ٢. ریاض المسائل؛ ٣. حاشیة مفاتیح الشرایع؛
٤. حاشیة دروس الشہید؛ ٥. الجهادیہ.
١٤. ابوالقاسم بن محمد حسن جیلانی، معروف بہ میرزای قمی (وفات:
از ١٢٣١ تا ١٢٣٣ هـ. ق):
١. غنائم الأيام؛ ٢. مناهج الأحكام؛ ٣. جامع الشتات (فارسی و عربی)؛ ٤.
جوامع الرسائل؛ ٥. الرسائل؛ ٦. معین الخواص؛ ٧. مرشد العوام؛
٨. تحفه عباسی؛ ٩. رسالۃ فی دعوی المرثۃ الخلو عن المانع؛ ١٠. رسالۃ
فی حکم الطلاق بدعوی الوکالۃ عن الزوج مع انکاره؛ ١١. رسالۃ فی اقرار
الرجل بطلاق زوجته؛ ١٢. رسالۃ فی تحقیق ما یتبر فی الشہادہ.
١٥. اسدالله بن اسماعیل دزفولی کاظمی، معروف بہ صاحب مقابس و
ملا اسدالله (وفات: ١٢٣٤ هـ. ق):
١. مقابس الأنوار؛ ٢. حاشیة قواعد الأحكام؛ ٣. اللؤلؤ المسجور فی معنی
لفظ الطهور؛ ٤. منهج التحقیق فی التوسعة والتضییق؛ ٥. مبلغ النظر ونتیجة
الفکر.
١٦. محمد بن علی بن ابوالمعالی طباطبائی، معروف بہ سید محمد
مجاهد و صاحب مناهل (وفات: ١٢٤٠ هـ. ق):
١. کتاب القضاء؛ ٢. نہایۃ المرام؛ ٣. جامع الأقوال؛ ٤. المناهل؛ ٥.
الجهادیہ.
١٧. عبد الله بن محمد رضا حسینی شبر (وفات: ١٢٤٢ هـ. ق):
١. مصابیح الظلام؛ ٢. المصباح الساطع؛ ٣. زبده الدلیل؛ ٤. رسالۃ فی
الطہارہ.
١٨. موسی بن جعفر آل کاشف الغطاء (وفات: ١٢٤٣ هـ. ق):
١. منیۃ الراغب فی شرح بغیۃ الطالب.
١٩. احمد بن محمد مهدی، معروف بہ مولانا قی (وفات: ١٢٤٥ هـ. ق):

۱. هداية الشيعة؛ ۲. مستند الشيعة؛ ۳. رسائل و مسائل (فارسی و عربی)؛
۴. كتاب القضاء والشهادات؛ ۵. عوائد الأيام؛ ۶. مناهج الأحكام؛
۷. حاشية الروضة البهية.
۲۰. محمدعلی بن محمدباقر هزارجریبی اصفهانی (وفات: ۱۲۴۶هـ.ق):
 ۱. البحر الزاخر؛ ۲. قاطع النزاع؛ ۳. مخزن الاسرار الفقهیه.
۲۱. محمدتقی بن محمدرحیم اصفهانی، معروف به صاحب هدايت المسترشدين (وفات: ۱۲۴۶هـ.ق):
 ۱. كتاب الطهارة.
۲۲. احمد بن صالح بن طوق بحرانی (وفات: میانه قرن ۱۳هـ.ق):
 ۱. رسالة في قصد الثواب؛ ۲. رسالة في وجوب التيمم؛ ۳. رسالة في إدراك الركعة في الوقت؛ ۴. رسالة في وجوب الاخفات في غير الاولتين؛ ۵. روح النسيم في أحكام التسليم؛ ۶. أحكام العمرة؛ ۷. مسألة في طلاق الحائض؛ ۸. جواب عن مسائل الحبوہ؛ ۹. أجوبة مسائل السيد حسين؛ ۱۰. أجوبة مسائل الشيخ محمد درازی.
۲۳. علی بن جعفر آل کاشف الغطاء (وفات: ۱۲۵۳هـ.ق):
 ۱. التقريرات؛ ۲. رسالة في الصوم.
۲۴. خضر بن شلال عفاکوی نجفی (وفات: ۱۲۵۵هـ.ق):
 ۱. التحفة الغرویه؛ ۲. جنة الخلد.
۲۵. محمدباقر بن محمدتقی موسوی، معروف به حجت الاسلام شفتی (وفات: ۱۲۶۰هـ.ق):
 ۱. مطالع الأنوار؛ ۲. سؤال و جواب (فارسی)؛ ۳. رسالة في تطهير العجين؛ ۴. رسالة في ما لو أخلّ بالتسليم في الصلاة؛ ۵. رسالة في التسليم بالنوافل؛ ۶. رسالة في إقامة الحدود في زمن غيبة الإمام (فارسی)؛ ۷. رسالة في عدم لزوم القبض إذا جعل الواقف التولية لنفسه؛ ۸. رسالة في جواز الاتكال

على قول النساء فى انتفاء موانع النكاح؛ ٩. رسالة فى حرمة ام الموطوء وبنته
واخته على الواطى؛ ١٠. رسالة فى طلاق مدعى الوكالة عن الزوج مع انكار
الزوج؛ ١١. رسالة فى حكم صلح حق الرجوع فى الطلاق الرجعى؛
١٢. كاريزيه (فارسى).

٢٦. محمد مهدي بن على طباطبائى كربلايى، فرزند صاحب رياض
(وفات: ١٢٦٠ هـ. ق):

١. رسالة فى هبة الولى مدة الزوجة الصغيرة؛ ٢. المصاييح.

٢٧. محمد ابراهيم بن محمد حسن كلباسى اصفهانى (وفات: ١٢٦٢ هـ. ق):

١. شوارع الهدايه؛ ٢. منهاج الهدايه.

٢٨. ابراهيم بن محمد باقر موسوى قزوينى، معروف به صاحب ضوابط
(وفات: ١٢٦٢ هـ. ق):

١. دلائل الأحكام.

٢٩. محمد جعفر بن سيف الدين شريعتمدار استرآبادى (وفات: ١٢٦٣ هـ. ق):

١. شوارع الأنام؛ ٢. حاشية رياض المسائل؛ ٣. حاشية مدارك الأحكام؛

٤. يتاييع الحكمة؛ ٥. مجمع الآراء؛ ٦. مشكاة الورى؛ ٧. المقاليد الجعفرية؛

٨. رسالة فى القبلة؛ ٩. رسالة فى القصر والاتمام؛ ١٠. الكفاف فى مسائل

الاعتكاف؛ ١١. صيغ العقود والايقاعات؛ ١٢. صيغ النكاح؛ ١٣. رسالة فى ابراء

الأب زوجة ابنه الصغيرة المنقطعة من المده؛ ١٤. رسالة فى حكم المرأة المفقود عنها

زوجها؛ ١٥. سفينة النجاه؛ ١٦. رسالة فى الحدود والقصاص والديات (فارسى).

٣٠. محمد بن صالح صدر الدين عاملى اصفهانى (وفات: ١٢٦٣ هـ. ق):

١. الارجوزة الرضايع؛ ٢. رسالة فى مسائل ذى الرأسين؛ ٣. رسالة فى الوقف.

٣١. حسن بن جعفر آل كاشف الغطاء (وفات: ١٢٦٤ هـ. ق):

١. أنوار الفقاهه؛ ٢. كتاب الغصب؛ ٣. السلاح الماضى؛ ٤. المواييث؛

٥. المعاملات؛ ٦. حاشية كشف الغطاء.

۳۲. عبدالفتاح بن علی میرفتاح حسینی مراغی (وفات: از ۱۲۶۶ تا ۱۲۷۴ هـ.ق):

۱. العناوین؛ ۲. صیغ العقود والایقاعات.

۳۳. محسن خنفر نجفی (وفات: ۱۲۷۰ هـ.ق):

۱. کتاب التجاره؛ ۲. کتاب احیاء الموات.

۳۴. محمدحسن بن باقر بن عبدالرحیم نجفی، معروف به صاحب جواهر

(وفات: ۱۲۶۶ هـ.ق):

۱. جواهر الکلام؛ ۲. نجات العباد؛ ۳. سؤال و جواب؛ ۴. التقریرات.

۱. محدوده زمانی این مرحله: این دوران که تا به امروز (دهه سوم قرن

پانزدهم) ادامه دارد، از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری و پیش از مرجع شدن

شیخ مرتضی انصاری (وفات: ۱۲۸۱ هـ.ق) آغاز شد.

آن چنان عظمت علمی شیخ انصاری آشکار شده بود که صاحب جواهر و

شاگردان نزدیکش، او را به عنوان مرجع بی بدیل پس از صاحب جواهر برگزیدند.

فقیهان شیعه تا امروز، در سایه مکتب فقهی شیخ انصاری تنفس کرده و

زندگی می کنند و نتوانسته اند اصول جدیدی را به جای اصول فقه و روش علمی

شیخ انصاری برگزینند؛ حقیقتی که همه تاریخ نگاران شیعه آن را پذیرفته اند.

مورخان فقه شیعه، دو نکته اساسی را در عصر شیخ انصاری برتابیده اند:

نکته اول: برجستگی کتاب های فقهی شیخ انصاری، بویژه کتاب مکاسب

که تا امروز متن برگزیده درسی است. افزون بر این که این کتاب در حال حاضر

در مرحله سطح حوزه ها تدریس می شود و در مرحله خارج نیز محور تحقیقات

فقهی است. چنین ویژگی ای، آن را از دیگر کتاب های فقهی، استدلالی

پیشینیان و پسینیان برتر می نمایاند.

نکته دوم: برجسته بودن مکتب فقهی شیخ انصاری بدان دلیل است که

ژرفای درون متنی مکاسب در پرداخت علمی و روش استنباط، برتر از

طه ششم:

و بالندگی

کتاب های پیش تر نوشته شده، مانند جواهر می نماید. آن چنان که شیخ انصاری را «شیخ اعظم» و «خاتم الفقهاء والمجتهدین» خوانده اند و درباره اش گفته اند: «گذشتگانش را از یادها برد و آیندگانش را به زحمت انداخت.»

برای همین، نمی توان دوران شیخ انصاری را پیوست دوران پیشین دانست، زیرا همه عالمان پس از او، پیرو مکتب اویند.

دلیل و علت های این برجستگی چیست؟ آیا پیشرفت علم اصول فقه در مکتب او، به پیشرفت های فقهی او برمی گردد؟ ویژگی های ممتاز فقه شیخ اعظم چیست؟ پیش تر از او وحید بهبهانی، قوانین بنیانی اصول جدید را پایه گذاشت و فقه اجتهادی را از افراط و تفریط رهاوند و به «استاد الكل» و «استاد اعظم» شناخته شد (چنان که در بیان مرحله گذشته شرح دادیم) و همچنین تربیت یافتگان مکتب وحید و نسل سوم پس از او در بالیدن آن مکتب کوشیدند، اما این مکتب با آمدن شیخ انصاری به کمال شایسته اش رسید.

فقه شیعه در این دوران، به سوی کمال و نوآوری ره پیمود، چنان که آن را در سطوح چندگانه ای می شود بر شمرد که نسل به نسل پیش رفت و به امروز رسید. مکتب شیخ انصاری، هنوز هم به پاسخ گفتن نیازهای زمانه تواناست، هر چند که نزدیک به یک قرن و نیم از آغاز آن می گذرد.

۲. مهم ترین ویژگی های این دوران: الف. پس از آن که گذشتگان این دوران، مکتب اخباری گری را برافکنند و اصول جدیدی را پایه گذاشتند، شیخ انصاری مجال یافت، چارچوب و طرح گسترده این مکتب اصولی را پس از آن دوران التهاب، پیش بکشد.

بر همین اساس، شیخ انصاری در توضیح و تبیین روش علمی اصول جدید که کوشش های علمی اخباریان را نیز برتابیده بود، کوشید؛ چنان که ایشان مباحث اصولی را با توجه به حالات مکلف: قطع، ظن و شک بر رسید که با چنین پذیرفته شده فقیهان در گذر قرون گذشته برابری می کرد بلکه پیشی گرفت. روش علمی

اصول جدید شیخ، استقصا و سرشماری فرض‌ها و صورت‌های سه‌گانه قطع، ظن و شک است که در بحث «تعارض ادله» این مبنا در تقسیم‌بندی‌های ادله خود را به خوبی نمایاند. به گونه‌ای که آورده‌اند که ایشان خود را نوآور دو اصطلاح «حکومت» و «ورود» می‌دانند. شیخ انصاری با همه توان علمی خویش، سبک اجتهادی را بازنگریست و فقیهان پس از وی نیز این روش را برگزیدند. ایشان در تحقیقات مختلف اصول فقه؛ چه در مباحث الفاظ و چه در مباحث حجت و مباحث اصول عملیه نوآور بوده به گونه‌ای که هنوز روش علمی شیخ یگانه می‌نماید.

ب. شیخ انصاری، پس از هماهنگ کردن مباحث علم اصول، به اجرای اصول در پژوهش‌های فقهی خود پرداخت. در این باره گفتنی است که می‌توان با غوطه‌ور شدن و تأمل در آثار شیخ به یکپارچگی و ژرف‌نگری آن آثار پی ببریم، هر چند گریزها و منحنی‌هایی وجود دارد که بر آموزنده دشوار می‌نماید.

ج. افزون بر این که پژوهش‌های فقهی شیخ انصاری همه آراء و نظریات فقهی گذشته را برمی‌تابد، دورنما و آینده مسائل فقهی و نظریات فقهی در هر مسئله را نیز برمی‌نماید. شیخ انصاری، در هر مسئله‌ای همه‌گونه‌ها و صورت‌های مفروض و احتمالات ممکن را برمی‌شمرد. به گفته برخی از استادان، هیچ نظریه‌ای پس از شیخ پدید نیامد مگر آن که از تحقیقات وی سرچشمه گرفته باشد.

د. نظریه‌ها و استدلال‌های گذشتگان در مکتب شیخ انصاری از کارکردی شایسته برخوردار شد، زیرا شیخ به آثار گذشتگان بی‌توجهی نکرد و در تنگه آنان نیز نیفتاد، بلکه میراث فقهی گذشتگان را با نوآوری‌هایش درآمیخت؛ آن‌سان که تفسیر جدید وی از آرای گذشتگان، اوج نوآوری‌اش را در فهم و نزدیک کردن افکار و مبانی می‌نمایاند.

هـ. بر گذشتگان خرده می‌گیرند که هنگام تحقیقات فقهی از آراء و مبانی اصولی خود غافل می‌شدند، اما شیخ اعظم حتی در بزنگاه‌های فقهی یک اصولی توانا بود، زیرا مکتب اصولی او با تحقیقات فقهی‌اش بالیده است.

و. آنچه سبب شد که فقه مکتب شیخ به عرصه های پژوهشی بین المللی پا گذارد، توجه بسیار شیخ به فقه معاملات بود، چنان که افزون بر مذاهب اسلامی، دیگر مکاتب نیز به بهره گیری از آن گراییدند.

ز. پژوهش های عقلی در مکتب اصولی و آن گاه فقهی شیخ انصاری جایگاه ویژه ای دارد، چنان که آثار شاگردان برجسته او، مانند: آخوند خراسانی (وفات: ۱۳۲۹ ه. ق) و شاگردان آخوند، مانند: محقق عراقی (وفات: ۱۳۶۱ ه. ق) و محقق اصفهانی (وفات: ۱۳۶۱ ه. ق)، این رویکرد عقلی و فلسفی را نشان می دهد.

ح. شیخ در نوشته های فقهی اش به مباحث رجالی بسیار پرداخته، اما تحقیقات اصولی وی درباره حجیت خبر واحد، راه پژوهش های رجالی را برای آیندگان گشوده است، چنان که محقق و مرجع عالیقدر بروجردی بزرگ (وفات: ۱۳۸۰ ه. ق) در علم رجال درخشید و محقق خوئی (ره) (وفات: ۱۴۱۳ ه. ق) معجم رجال حدیث را نوشت.

ط. پس از استوار شدن مکتب فقهی شیخ اعظم، پرورش یافتگان بزرگ این مکتب، مانند: میرزای شیرازی (وفات: ۱۳۱۳ ه. ق)، محقق نائینی (وفات: ۱۳۵۵ ه. ق)، امام خمینی (وفات: ۱۴۰۹ ه. ق) و شهید صدر (وفات: ۱۴۰۰ ه. ق) زمینه ورود فقه شیعه را به عرصه تحقیقات جدید در فقه سیاسی و نظریه پردازی درباره حکومت اسلامی گستراندند.

ی. پژوهش های فقهی شهید صدر، پیش از پدید آمدن حکومت اسلامی: از عرصه فقه فردی به عرصه های اجتماعی و نظریه پردازی درباره نظام های مختلف اسلام پا گذاشت. ایشان افزون بر نوآوری در بیان نظام های سیاسی و اقتصادی اسلام، با گستراندن آراء و افکار خود، زمینه پیدایی نظام اجتماعی اسلام را نیز آماده ساخت و مکتب فقهی تشیع را در این باره از دیگر مکاتب فقهی اسلام، پیش تر برد. و می توانیم این مرحله را دوره ای جدید برای فقه

اجتهادی و استدلالی شیعه بر شماریم بلکه با یک توجه عمیق تر در برابر تمام مراحل شش گانه این مرحله قرار می گیرد؛ زیرا که فقه شیعه را به سوی یک فقه اجتماعی جهان شمول و گسترده و همراه با یک تجربه موفق در عرصه بین الملل سوق می دهد، و زمینه را برای دولت جهانی اسلام در عصر امام مهدی (ع) فراهم می سازد، و تحولات چشمگیر مبنایی و ساختاری را در پی خواهد داشت. و حوزه های علمیه شیعه در حال حاضر به ویژه حوزه قم که وارث تحولات فقهی تمام دوره های گذشته می باشد، در عرصه های علم و عمل در حال نظریه پردازی و نظام سازی می باشد و راه بزرگانی چون امام خمینی و علامه طباطبائی و شهید سید محمدباقر صدر و شهید مطهری را پی می گیرد تا بتواند به اوج شکوفایی مطلوب برسد. (ان شاء الله)

۳. بزرگان این دوره و آثار فقهی آنان:

پنج نسل از فقیهان بزرگ، تا به امروز از این مکتب عظیم فقهی پیروی کرده اند که شناساندن برخی از این محققان تأثیرگذار در رشد تحقیقات اصولی و فقهی، فراتر از هدف این نوشته است.

۱. مرتضی بن محمد امین، معروف به شیخ انصاری (وفات: ۱۲۸۱ ه.ق):

۱. لوامع النکات (تقریرات)؛ ۲. المکاسب (المتاجر)؛ ۳. کتاب البیع
- و الخیارات (تقریرات)؛ ۴. رساله فی العداله؛ ۵. کتاب القضاء و الشهادات؛
۶. کتاب القضاء (تقریرات بقلم التکابنی)؛ ۷. کتاب القضاء (تقریرات)؛
۸. فائده فی الموارث؛ ۹. کتاب اللقطه؛ ۱۰. کتاب الغصب؛ ۱۱. رساله فی قاعده
- (من ملک شیئاً ملک الاقرار به)؛ ۱۲. رساله فی الرضاع؛ ۱۳. رساله فی التحريم
- بالمصاهره؛ ۱۴. رساله فی منجزات المریض؛ ۱۵. کتاب الوصایا؛ ۱۶. کتاب
- الوقوف و الصدقات؛ ۱۷. کتاب الوقف؛ ۱۸. کتاب الصوم؛ ۱۹. کتاب الخمس؛
۲۰. کتاب الزکاه؛ ۲۱. کتاب الزکاه (تقریرات)؛ ۲۲. رساله فی صلاه

- المسافر؛ ٢٣. رسالة في الموسعة والمضايقة؛ ٢٤. رسالة في القضاء عن الميت؛
 ٢٥. كتاب الصلاة؛ ٢٦. التقريرات في الصلاة؛ ٢٧. كتاب الطهارة؛ ٢٨. التقريرات
 في الطهارة؛ ٢٩. رسالة في قاعدة لاضرر؛ ٣٠. رسالة في التقيه.
٢. حسن بن ابراهيم نجم آبادى (وفات: پيرامون ١٢٨٤ هـ. ق):
 ١. كتاب خلل الصلاة؛ ٢. كتاب الصوم؛ ٣. كتاب البيع.
٣. عبد الصاحب محمد بن احمد نراقى كاشانى (وفات: ١٢٩٧ هـ. ق):
 ١. مشارق الأحكام.
٤. على بن رضا آل بحر العلوم (وفات: ١٢٩٨ هـ. ق):
 ١. البرهان القاطع؛ ٢. رسالة في القبلة؛ ٣. رسالة في الجبوه.
٥. محمد تقى بن حسين على هروى اصفهانى (وفات: ١٢٩٩ هـ. ق):
 ١. رسالة في عرق الجنب من الحرام؛ ٢. رسالة في الشرط ضمن العقد؛
 ٣. حاشية على رسالة حكم الطلاق بدعوى الوكالة؛ ٤. رسالة في طلاق
 الزوجة بعوض منها؛ ٥. رسالة في الارث؛ ٦. حاشية رياض المسائل.
٦. محمد حسين بن ميرزا آقاسى قمى (وفات: ١٣٠٤ هـ. ق):
 ١. مصباح الفقاهه.
٧. احمد بن مصطفى خوئينى، معروف به ملا آقا (وفات: ١٣٠٧ هـ. ق):
 ١. مجلى الشريعة فى مسألة التضيق والتوسعه؛ ٢. شرح الدرر البهيه.
٨. حبيب الله بن محمد على رشتى (وفات: ١٣١٢ هـ. ق):
 ١. كتاب اللقطه؛ ٢. كتاب اللقطه (تقريرات)؛ ٣. كتاب القضاء؛ ٤. كتاب
 الارث؛ ٥. كتاب الغصب؛ ٦. كتاب احياء الموات؛ ٧. كتاب الوصايا؛
 ٨. كتاب الوقف؛ ٩. كتاب الوقوف والصدقات (تقريرات)؛ ١٠. كتاب
 الاجاره؛ ١١. حاشية المكاسب؛ ١٢. كتاب الزكاه؛ ١٣. صلاة المسافر
 (تقريرات)؛ ١٤. كتاب الطهارة؛ ١٥. كتاب الزكاه (تقريرات).
٩. حسين قلى بن رمضان همدانى (وفات: ١٣١١ هـ. ق):

۱. کتاب خلل الصلاة؛ ۲. صلاة المسافر (تقریرات)؛ ۳. کتاب الرهن؛ ۴. کتاب القضاء والشهادات (تقریرات).
۱۰. محمدحسن بن محمود حسینی، معروف به میرزای شیرازی (وفات: ۱۳۱۳ هـ.ق):
 ۱. القواعد الحسنيه (تقریرات).
۱۱. محمد بن قاسم طباطبائی فشارکی (وفات: از ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ هـ.ق):
 ۱. رسالة في قاعدة نفى العسر والحرج؛ ۲. رسالة في حكم أواني الذهب والفضة؛ ۳. إزاحة الشك في اللباس المشكوك؛ ۴. رسالة في الجمع بين قصدي القرآن والدعاء؛ ۵. الخلل في الصلاة؛ ۱۶. كتاب القضاء؛ ۱۲. محمدحسن بن جعفر آشتیانی (وفات: ۱۳۱۹ هـ.ق):
 ۱. رسالة في قاعدة نفى العسر والحرج؛ ۲. رسالة في حكم أواني الذهب والفضة؛ ۳. إزاحة الشك في اللباس المشكوك؛ ۴. رسالة في الجمع بين قصدي القرآن والدعاء؛ ۵. الخلل في الصلاة؛ ۶. كتاب القضاء.
 ۱۳. محمدهادی بن محمد امین تهرانی (وفات: ۱۳۲۱ هـ.ق):
 ۱. ودایع النبوه؛ ۲. أجوبة المسائل؛ ۳. رسالة في الارث؛ ۴. رسالة في الرضاع؛ ۵. كتاب الصلح؛ ۶. ذخائر النبوه؛ ۷. رسالة في الغيبة؛ ۸. كتاب الزكاه؛ ۹. رسالة في الفرق بين الحق والحكم.
 ۱۴. رضا بن محمدهادی همدانی (وفات: ۱۳۲۲ هـ.ق):
 ۱. مصباح الفقيه؛ ۲. حاشية المكاسب؛ ۳. كتاب البيع.
 ۱۵. محمدحسن بن عبدالله مامقانی (وفات: ۱۳۲۳ هـ.ق):
 ۱. ذرایع الاحلام؛ ۲. غاية الآمال.
 ۱۶. محمد بن محمدتقی بحر العلوم (وفات: ۱۳۲۶ هـ.ق):
 ۱. بلغة الفقيه.
 ۱۷. شیخ فضل الله بن عباس نوری (وفات: ۱۳۲۷ هـ.ق):

١ . رساله فی قاعده الید .

١٨ . محمد کاظم بن حسین ، معروف به آخوند خراسانی (وفات : ١٣٢٩ هـ . ق) :
 ١ . تکملة التبصره ؛ ٢ . اللمعات الثبیره ؛ ٣ . رساله فی الدماء الثلاثه ؛
 ٤ . کتاب الخمس ؛ ٥ . کتاب الاجاره ؛ ٦ . رساله فی الوقف ؛ ٧ . رساله فی
 الرضاع ؛ ٨ . الرضاع (تقریرات) ؛ ٩ . رساله فی الاخلال بذکر الأجل فی
 المتعه ؛ ١٠ . مقاله فی الطلاق ؛ ١١ . کتاب القضاء (تقریرات) ؛ ١٢ . کتاب
 القضاء (مجموعه ای دیگر از تقریرات) ؛ ١٣ . مقاله فی العداله ؛ ١٤ . حاشیه
 المکاسب .

١٩ . محمد کاظم بن عبدالعظیم طباطبائی یزدی (وفات : ١٣٣٧ هـ . ق) :

١ . العروة الوثقی ؛ ٢ . حاشیه المکاسب ؛ ٣ . رساله فی منجزات المریض ؛
 ٤ . رساله فی حکم الظن فی الصلاة و بیان کیفیه صلاة الاحتیاط .
 ٢٠ . میرزا محمد تقی شیرازی (وفات : ١٣٣٨ هـ . ق) :
 ١ . رساله فی صلاة الجمعة (تقریرات) ؛ ٢ . أحكام الخلل فی الصلاة
 (تقریرات) ؛ ٣ . حاشیه المکاسب .
 ٢١ . فتح الله بن محمد جواد اصفهانی ، معروف به شیخ الشریعه (وفات :
 ١٣٣٩ هـ . ق) :

١ . افاضة القدير فی احکام العصیر ؛ ٢ . رساله فی الخیارات ؛ ٣ . ابانة
 المختار فی ارث الزوجة من ثمن العقار بعد الأخذ بالخیار ؛ ٤ . صيانة الابانة
 عن وصمة الرطانه .

٢٢ . مهدی بن حسین کاظمی خالصی (وفات : ١٣٤٣ هـ . ق) :

١ . رساله فی تداخل الأغسال ؛ ٢ . القواعد الفقهية فی المعاملات ؛ ٣ . شرح
 شرایع الاسلام .

٢٣ . محمد بن محمد باقر حسینی فیروزآبادی (وفات : ١٣٤٥ هـ . ق) :

١ . جامع الكلم .

٢٤ . صادق بن محمد تبريزي (وفات: ١٣٥١ هـ. ق):

١ . الفوائد في شرح بعض المباحث المشككة في الفقه .

٢٥ . عبدالله بن محمد حسن مامقاني (وفات: ١٣٥١ هـ. ق):

١ . المسائل البغداديّة؛ ٢ . المسائل البصريّة؛ ٣ . المسائل الخويّية؛

٤ . المسائل الاربعين العامليّة؛ ٥ . الدر المنضود؛ ٦ . غاية السؤل؛ ٧ . في

إقرار بعض الورثة بدين وإنكار الباقي؛ ٨ . تحفة الصفوة؛ ٩ . المحاكمة بين

العلمين؛ ١٠ . كشف الاستار عن وجوب الغسل على الكفار؛ ١١ . ازاحة

السوسة عن تقبيل الاعتاب المقدسه؛ ١٢ . كشف الريب والسوء في اغناء كل

غسل عن الوضوء؛ ١٣ . مخزن اللآلي في فروع العلم الاجمالي؛ ١٤ . هداية

الأنام في حكم أموال الامام؛ ١٥ . رسالة في حكم المسافرة لمن عليه قضاء

رمضان مع ضيق الوقت؛ ١٦ . نهاية الآمال؛ ١٧ . منتهى مقاصد الأنام .

٢٦ . محمد جواد بن حسين نجفي بلاغي (وفات: ١٣٥٢ هـ. ق):

١ . رسالة في تنجيس المتنجس؛ ٢ . رسالة في حرمة حلق اللحية؛ ٣ . رسالة

في اللباس المشكوك؛ ٤ . حاشية المكاسب؛ ٥ . عقد في العلم الاجمالي؛

٦ . عقد في الزام غير الامامي بأحكام نحلته .

٢٧ . علي بن عبدالحسين نجفي ايرواني (وفات: ١٣٥٣ هـ. ق):

١ . حاشية المكاسب؛ ٢ . الذهب المسبوك؛ ٣ . عقد اللآلي في فروع العلم

الاجمالي؛ ٤ . جمان السلك في الاعراض عن الملك .

٢٨ . محمد حسين بن عبد الرحيم ، معروف به ميرزاى نائيني (وفات:

١٣٥٥ هـ. ق):

١ . رسالة في قاعدة لا ضرر؛ ٢ . كتاب الصلاة (تقريرات)؛ ٣ . رسالة في

اللباس المشكوك؛ ٤ . منية الطالب .

٢٩ . شيخ عبدالكريم حائري يزدي (وفات: ١٣٥٥ هـ. ق):

١ . كتاب الصلاة؛ ٢ . كتاب الصلاة (تقريرات)؛ ٣ . كتاب النكاح (تقريرات) .

٣٠. محمدرضا بن محمدحسین مسجدشاهی اصفهانی (وفات: ١٣٦٠ هـ. ق):
 ١. رساله فی عدم تنجیس المتنجس؛ ٢. روضة الغناء فی تحقیق موضوع الغناء.
 ٣١. شیخ محمدحسین اصفهانی کمپانی (وفات: ١٣٦١ هـ. ق):
 ١. حاشیة المكاسب؛ ٢. كتاب الاجاره؛ ٣. رساله فی حکم أخذ الاجرة
 علی الواجبات.
 ٣٢. آقا ضیاءالدین عراقی (وفات: ١٣٦١ هـ. ق):
 ١. شرح تبصرة المتعلمین؛ ٢. رساله فی اللباس المشكوك؛ ٣. روائع
 الأمالی فی فروع العلم الاجمالی؛ ٤. كتاب القضاء؛ ٥. رساله فی تعاقب
 الأیادی؛ ٦. مقالة فی الدعاوی.
 ٣٣. سید ابوالحسن اصفهانی (وفات: ١٣٦٥ هـ. ق):
 ١. وسیلة النجاة.
 ٣٤. سید محمدبن علی حجت کوه کمره ای (وفات: ١٣٧٣ هـ. ق):
 ١. كتاب البيع (تقریرات).
 ٣٥. محمدحسین آل کاشف الغطاء (وفات: ١٣٧٣ هـ. ق):
 ١. تحرير المجله.
 ٣٦. آقا حسین بروجرودی (وفات: ١٣٨٠ هـ. ق):
 ١. نهاية التقرير (تقریرات)؛ ٢. البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر؛
 ٣. زبدة المقال.
 ٣٧. سید عبدالهادی بن اسماعیل حسینی شیرازی (وفات: ١٣٨٢ هـ. ق):
 ١. القطرة فی زكاة الفطره (تقریرات)؛ ٢. الرضاع (تقریرات).
 ٣٨. سید محسن حکیم (وفات: ١٣٩٠ هـ. ق):
 ١. مستمسک العروة الوثقی؛ ٢. دلیل الناسک؛ ٣. نهج الفقاهه؛ ٤. حاشیة
 ریاض المسائل؛ ٥. شرح التبصره؛ ٦. شرح المختصر النافع.
 ٣٩. محمدتقی آملی (وفات: ١٣٩١ هـ. ق):

- ۱ . مصباح الهدی .
- ۴۰ . شیخ حسین حلی .
- ۱ . بحوث فقهیه (تقریرات) .
- ۴۱ . سید محمود بن علی حسینی شاهرودی (وفات: ۱۳۹۴ هـ. ق):
- ۱ . کتاب الحج (تقریرات) .
- ۴۲ . حسن بن آقابزرگ موسوی بجنوردی (وفات: ۱۳۹۵ هـ. ق):
- ۱ . القواعد الفقهیه .
- ۴۳ . محمدهادی بن جعفر حسینی میلانی (وفات: ۱۳۹۵ هـ. ق):
- ۱ . کتاب الخمس؛ ۲ . کتاب الزکاه؛ ۳ . کتاب الصلاه .
- ۴۴ . سید احمد خوانساری (وفات: ۱۴۰۴ یا ۱۴۰۵ هـ. ق):
- ۱ . جامع المدارک (شرح المختصر النافع) .
- ۴۵ . شیخ مرتضی بن عبدالکریم حائری (وفات: ۱۴۰۶ هـ. ق):
- ۱ . ابتغاء الفضيله؛ ۲ . صلاة الجمعة . علوم حسینی
- ۴۶ . سید روح الله موسوی خمینی (وفات: ۱۴۰۹ هـ. ق):
- ۱ . تحرير الوسيله؛ ۲ . كتاب البيع؛ ۳ . المكاسب المحرمه؛ ۴ . كتاب الطهارة؛
- ۵ . كتاب الخلل في الصلاه؛ ۶ . رسالة في قاعدة لاضرر؛ ۷ . رسالة في التقيه .
- ۴۷ . سید ابوالقاسم موسوی خوئی (وفات: ۱۴۱۳ هـ. ق):
- ۱ . التنقيح (تقریرات)؛ ۲ . دروس فی فقه الشیعه (تقریرات)؛ ۳ . مستند العروة الوثقی؛ ۴ . رسالة فی اللباس المشكوك؛ ۵ . الدرر الغوالي فی فروع العلم الاجمالي (تقریرات)؛ ۶ . مصباح الفقاهه؛ ۷ . محاضرات فی الفقه الجعفری؛
- ۸ . منهاج الصالحين؛ ۹ . تکملة المنهاج؛ ۱۱ . مبانی تکملة المنهاج .
- ۴۸ . سید عبدالاعلی سبزواری (وفات: ۱۴۱۴ هـ. ق):
- ۱ . مهذب الأحكام، ۳۰ جلد .

٤٩. سید محمدباقر صدر (وفات: ١٤٠٠ هـ.ق):

١. بحوث فی شرح العروة الوثقی (چهار جزوه)؛ ٢. تعلیقه علی منهاج الصالحین؛ ٣. مناسک الحج؛ ٤. تعلیقه علی بلغه الراغبین؛ ٥. الفتاوی الواضحه.

٥٠. سید شهاب الدین مرعشی نجفی (وفات: ١٤١١ هـ.ق):

١. ذخیره المؤمنین؛ ٢. حاشیه علی العروة الوثقی؛ ٣. حاشیه علی مکاسب الشیخ الأعظم؛ ٤. حاشیه علی شرح اللمعه؛ ٥. بحوث فی القصاص والدیات وغیرها ...

٥١. سید محمدرضا موسوی گلپایگانی (وفات: ١٤١٤ هـ.ق):

١. رسالته العملية (فارسی و عربی)؛ ٢. مجمع المسائل (سه جلد)؛ ٣. الحاشیه؛ ٤. الوسائل؛ ٥. المستدرک؛ ٦. مجموعه تقریرات فی القضاء والشهادات والحج والبیع ... وغیرها.

٥٢. شیخ محمدعلی آراکی (وفات: ١٤١٥ هـ.ق):

١. المكاسب المحرمة ورسالة الخمس؛ ٢. البيع، (در دو جزء)؛ ٣. الخيارات؛ ٤. تعلیقه علی العروة الوثقی؛ ٥. رساله فی الارث ونفقة الزوجه؛ ٦. الطهاره (دو جزء)؛ ٧. مناسک الحج؛ ٨. المسائل الواضحه (رساله علیه عربی)؛ ٩. توضیح المسائل (فارسی)؛ ١٠. رساله فی قاعدة اليد؛ ١١. رساله فی قاعدة التجاوز؛ ١٢. رساله فی قاعدة القرعه (ره).

بی نوشت ها:

١. سوره شمس، آیه ٧.
٢. سوره انفطار، آیه ٧.
٣. ر.ک: بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ١/١٦٢-٨٢، کتاب العقل والجهل.
٤. المعالم الجديده/٨٤.